

بررسی مشروعیت تحریم ها از منظر حقوق بین الملل

زهرا باهری^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علوم و تحقیقات فارس

ناشر: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

چکیده

یکی از اقدامات شورای امنیت به منظور حفظ صلح و امنیت بین المللی که براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل اتخاذ می نماید تحریم اقتصادی می باشد. حال آیا اختیارات شورا در رابطه با اعمال تحریم های اقتصادی خارج از چارچوب موازین بین الملل است یا نه؟ منطق حقوقی ایجاب میکند که شورای امنیت به عنوان رکنی از سازمان بین المللی و یکی از تابعان حقوق بین الملل در اتخاذ تصمیمات خود و اجرای آن پایبند به قواعد بین المللی باشد زیرا در غیر این صورت نمی توان انتظار داشت نظام امنیت جمعی خواسته های کشورهای برخوردار از حاکمیت را تحقق بخشد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم به کرات اقدامات قهرآمیز اقتصادی را به عنوان وسیله ای جهت دستیابی به اهداف سیاسی محکوم کرده است. و از کشورهای صنعتی خواسته از موضع برتر خود به عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف تغییر رفتار سایر کشورها استفاده نکنند. پس کلید حل بحران در احترام نهادن از سوی شورا به قواعد بین الملل ناظر بر حمایت از شخص انسان می باشد. حمایتی که عملاً در گرایش شورا به اتخاذ رویکردی نوین با عنوان تحریم های هدفمند متجلی می گردد.

کلمات کلیدی: شورای امنیت، تحریم، تحریم اقتصادی، تحریم های هدفمند، محدودیت های حقوقی، حقوق بین الملل، حقوق بشر، منشور سازمان ملل متحد

در منشور ملل متحد یکی از راههای پیش بینی شده جهت اعمال فشار بر کشورهای ناقض صلح یا متجاوز، برقراری تحریم بعنوان یک راه حل غیر نظامی می باشد. این وظیفه مهم به شورای امنیت سازمان ملل به عنوان مهمترین رکن حافظ صلح و امنیت بین المللی سپرده شده است. شورای امنیت سازمان ملل دارای وظایف و اختیاراتی است که شامل تشخیص تهدیدات موجود علیه صلح و امنیت بین المللی یا منطقه ای و وضع تحریم های اقتصادی یا اتخاذ اقدام نظامی علیه متجاوز و اعمال مسئولیت سازمان ملل در مناطق استراتژیک جهان می شود. براساس ماده ۴۱ منشور که در ذیل فصل هفتم منشور آمده است، شورای امنیت سازمان ملل متحد می تواند واکنش خود را نسبت به تهدید امنیت و صلح بین المللی، با توسل به تحریم ها نشان دهد. تحریم های اقتصادی از جمله سازوکارهای اجرایی عمده ای است که در سالهای اخیر به دفعات متعدد از سوی شورای امنیت علیه بسیاری از کشورها اعمال شده است.

سابقه اعمال این تحریم ها در دوران جنگ سرد تنها در دو مورد علیه کشورهای رودزیای جنوبی در ۱۹۶۶ و آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷ مشاهده می شود. پس از جنگ سرد، شورای امنیت سازمان ملل چنین تحریم هایی را علیه کشورهای یوگسلاوی سابق، آنگولا، لیبی، رواندا، لیبیا، هایتی، سودان و ایران اعمال کرده است. هدف اساسی از اعمال تحریم های اقتصادی، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین الملل و تشویق به رعایت این اصول و هنجارهاست. اما طی دوره اخیر شورای امنیت در اثر فشار قدرتهای بزرگ رویکردی دوگانه در قبال اعضا اتخاذ نموده است. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا که به بهانه های مختلف سایر کشورها و دولت ها را مورد تهاجم قرار می دهد و یا تهدید به عملیات نظامی می کند و یا رژیم صهیونیستی که منشا بسیاری از بحرانهای منطقه ای است مصون از هرگونه اقدامات تحریمی هستند.

از بعد از جنگ جهانی اول تعداد ۱۸۳ تحریم اقتصادی اعمال شده است که ۱۴۰ مورد آن توسط آمریکا صورت گرفته است.

به علاوه امروزه تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری در جهت تضمین اجرای قواعد بین المللی و حفظ صلح و امنیت بین المللی اهمیت فراوانی یافته است. این اقدام از منظر حقوق بین الملل اساسا مشروع است مگر آن که هدف از آن اعمال فشار و سلطه بر سایر کشورها^۱ مغایر با تعهدات قراردادی کشورها باشد.^۲

طبق یک دیدگاه شورای امنیت در اجرای وظایف ناشی از فصل هفتم منشور هیچ گونه محدودیت ندارد و تشخیص شورا محدود به حقوق بین الملل نمی باشد. به عقیده ی این صاحب نظران ماده ۱ منشور^۳ به گونه ای تنظیم شده

^۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه های متعدد از جمله (۲۱۳۱)(۲۶۲۵) و... فشار اقتصادی را محکوم کرده است.

^۲. موافقتنامه تعرفه و تجارت گات از سوس اعضای سازمان تجارت جهانی تحریم اقتصادی را ممنوع کرده است با این حال صبق ماده ۲۰ موافقتنامه تحریم های اقتصادی به منظور تضمین رعایت حقوق بین الملل مجاز می باشد.

^۳. ماده ۱ منشور سازمان ملل: حفظ صلح و امنیت بین المللی و به این منظور اتخاذ اقدامات جمعی موثر برای پیشگیری و رفع تهدیدات علیه صلح و سرکوب اعمال تجاوزکارانه یا سایر موارد نقض صلح و تعدیل یا فیصله اختلافات بین المللی که ممکن است به نقض صلح بیانجامد از راه های مسالمت آمیز و مطابق با اصول عدالت و حقوق بین الملل

^۲. منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

است که دست شورای امنیت را در اجرای فصل هفتم کاملا باز گذاشته و آن را محدود به حقوق بین الملل نکرده است.

بر این اساس ممکن است این گونه به نظر برسد که شورا در احراز وجود تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی الزامی به تبعیت از حقوق بین الملل ندارد اما علی رغم عدم تصریح منشور به الزام شورا مبنی بر رعایت حقوق بین الملل در این زمینه در گزارش های کنفرانس سانفرانسیسکو حقوق بین الملل به طور ضمنی به عنوان مبنای هنجاری منشور ذکر شده است.

پس با مطالعه ی منشور به این نتیجه گیری میرسیم که منشور به ارکان سازمان ملل اختیارات نامحدود اعطا نکرده است. بنابراین شورای امنیت هنگام اعمال تحریم اقتصادی در چارچوب فصل هفتم منشور ملزم به رعایت حقوق بین الملل می باشد. محدودیت های شورا میتواند شامل حقوق بین الملل عام قواعد امره قواعد حقوق بشر قواعد حقوق بشر دوستانه و مقررات خاص منشور می باشد.

در این تحقیق سعی شده است که برخلاف اکثر تحقیقات که حق را به جانب کشور تحریم شونده می دهند و از ابتدا جهد را بر اثبات غیرقانونی بودن تحریم از منظر حقوق بین الملل می گذرانند؛ تحقیق جامعی انجام شود. اهمیت دانستن موقعیت تحریم و نوع نگرش به آن در روابط کشورها تا بدانجاست که میتواند حتی در تصمیم گیری های قضایی در اختلافات میان آنها تاثیر گذار باشد. چنانچه در دعوای ایران علیه امریکا در قضیه سکوهای نفتی شاهد آن بودیم که استنادات نادرست ایران در مورد تحریم چگونه روند را به نفع امریکا دگرگون ساخت. لازم به ذکر است برای نتیجه گیری در این پژوهش "تحریم اقتصادی یکجانبه امریکا علیه ایران" محوریت خواهد داشت.

بخش اول: تحریم ها و حقوق بین الملل

فصل اول: ابعاد نظری تحریم

تحریم اقتصادی هیچگاه بهترین روش حل و فصل مخاصمات بین المللی نبوده است اما همیشه آخرین روش قبل از توسل به زور بوده است. از سال ۱۹۹۰ تاکنون عراق، یوگسلاوی، یونان، لیبی، لیبیا، هائیتی، جبهه یونیتا در آنگولا، جبهه متحد انقلابی RUF، سومالی، رواندا، سیرالئون، افغانستان، گروه طالبان و القاعده، کنگو، سودان، بعضی اتباع لبنان، کره شمالی و ایران از طرف شورای امنیت سازمان ملل تحریم شده اند. اما از تحریمهای یکجانبه باید از گفته "ریچارد چنی" وزیر دفاع سابق امریکا نقل قول کنیم که "بیش از ۷۰ کشور با دو سوم جمعیت جهان تحت تأثیر تحریمهای امریکا قرار دارند". تحول در مفهوم حاکمیت و نتایج گوناگون تحریم در گذر تاریخ موجب شده است تا موضع گیری های کارشناسانه در مورد تحریم اشکال مختلفی به خود بگیرد.

برای شناخت دقیق تحریم و ارائه تعریفی جامع و مانع از آن و برای آنکه بتوانیم مصادیق واقعی آن را شناسایی نمائیم باید در وهله اول تفاوت مفهوم "تحریم اقتصادی" با "تحریم تجاری" مشخص گردد. هرچند در ظاهر "تحریم تجاری" و "تحریم اقتصادی" از نظر اقتصادی یک تاثیر دارند اما از نظر حقوقی دارای آثار متفاوتی هستند. تحریم تجاری محدودیت‌هایی است که دولت‌های ملی بر تجارت بین‌الملل اعمال می‌کنند. اینگونه محدودیت‌های تجاری اهداف تعریف شده سیاست تجاری یک دولت است در حالی که در تعریف تحریم اقتصادی آن را چون ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی مطرح می‌کنند.

به طور خلاصه آنچه که تمایز میان تحریم تجاری و اقتصادی را بازگو می‌کند وجود منافع اقتصادی برای کشور محدود کننده تجاری است و وجود منافع سیاسی برای کشور تحریم کننده اقتصادی است. هرچند ممکن است در این حالت کشور تحریم کننده از لحاظ اقتصادی متضرر نیز بگردد.

بنا به تعریف، تحریم اقتصادی عبارت از یک سلسله سیاست‌های برنامه ریزی شده به دولت برای محدود کردن مناسبات اقتصادی (به طور کل) با دولتی دیگر، به منظور دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود است. تحریم‌ها می‌توانند به طور یک جانبه، چند جانبه و یا براساس قطعنامه‌های بین‌المللی اعمال شوند. تحریم بین‌المللی مستلزم صدور قطعنامه سازمان ملل است؛ اما در تحریم چند جانبه معمولاً چند کشور برای اعمال تحریم علیه یک کشور دیگر با هم توافق می‌کنند. در تحریم یک جانبه نیز یک کشور به تنهایی علیه کشور دیگر وارد عمل می‌شود. دو مورد اخیر مستلزم صدور قطعنامه شورای امنیت نیست و توافق کشورها زمینه تحریم را فراهم می‌کند. اگر در یک تحریم چند جانبه یا بین‌المللی حلقه ضعیف وجود داشته باشد کل تحریم ضعیف می‌شود، زیرا استحکام کلی یک رشته زنجیر به مقاومت ضعیف‌ترین حلقه آن بستگی دارد. در تحریم‌های بین‌المللی، اغلب پیش از اعمال تحریم کامل مجموعه‌ای از اقدامات صورت می‌گیرد که می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- ۱) تشویق یا ترغیب از طریق مذاکره دو جانبه؛
 - ۲) اعلام عمومی و هشدار برای آگاه کردن کشور مورد نظر؛
 - ۳) مشاوره با متحدین برای ایجاد ائتلاف؛
 - ۴) آغاز تحریم‌های غیراقتصادی:
- الف) لغو جلسات چند جانبه بین‌المللی در کشور مورد تحریم
ب) لغو اعطای روادید به مسئولین کشور مورد تحریم
ج) کاهش روابط دیپلماتیک با کشور مورد تحریم
د) عدم اعطای تسهیلات و کمک‌های مالی
ه) قطع ارتباطات مختلف
پ) انواع تحریم
- اساساً تحریم‌های بین‌المللی دو شکل کلی دارد:

۱) تحریم های یک جانبه کشورها علیه یکدیگر؛

۲) تحریم های شورای امنیت سازمان ملل علیه اعضا؛

از منظر حقوق بین الملل در زمینه تحریم های یک جانبه از سوی یک کشور علیه دیگری، سه رویکرد مختلف وجود دارد؛

الف) رویکرد اول، اعمال این تحریم ها براساس اصل حاکمیت کشورها مجاز است. به عبارت دیگر از آنجا که کشورها می توانند در تنظیم روابط خارجی خود با دیگران آزادانه عمل کنند لذا هر کشوری از نظر سیاسی حق دارد با کشور دیگر قطع رابطه نماید یا رابطه برقرار کند. همین رابطه در مسایل اقتصادی نیز وجود دارد. لذا براساس این رویکرد کشورها می توانند برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش کشور دیگر را تحت فشار اقتصادی قرار دهند.

ب) در رویکرد دوم، جنگ مستقیم اقتصادی از سوی یک کشور علیه دیگری مجاز شمرده می شود و می باید آثار مضرات آن برطرف های ثالث به حداقل برسد. تمرکز اصلی تحریم های اقتصادی بر کشور یا کشورهای هدف می باشد و لذا می بایست این تحریم ها دارای کمترین آثار بر سایر کشورها باشد.

ج) رویکرد سوم، رویکرد منع قانونی است. این مکتب، تحریم ثانویه بلکه تحریم های اولیه را نیز مجاز نمی داند.

این گروه معتقد هستند هیچ نوع تحریمی در نظام حقوق بین الملل مدرن نباید علیه کشورها اعمال شود، زیرا پیامدهای منفی تحریم به مراتب بیشتر از پیامدهای مثبت آن است. این رویکرد که جدیدتر از دو رویکرد قبلی است عمدتاً از نظریه های اقتصادی سیاسی کلاسیک لیبرال ناشی شده است تا حقوق بین الملل اقتصاددانان سیاسی لیبرال کلاسیک، مدافعان سرسخت تجارت آزادند، لذا هر نوع مانعی را موجب خسارت به اقتصاد جهانی می دانند. در بررسی نهایی رویکرد نظری فوق و مقایسه با اعمال کشورها به این نتیجه می رسیم که اقدامات تحریم کشورها علیه یکدیگر در بسیاری از موارد علی رغم ممنوعیت های حقوقی، در حال گسترش است. از مهمترین اقدامات تحریمی یک جانبه در سال های اخیر، تحریم کشورهای نظیر ایران، عراق و لیبی از سوی آمریکا بوده است. در مجموع می توان تحریم های یک جانبه را براساس معاهدات و حقوق بین الملل، براساس موارد زیر نامشروع خواند:

اول: مجمع عمومی سازمان ملل متحد به کرات اقدامات قهرآمیز اقتصادی را به عنوان وسیله ای جهت دستیابی به اهداف سیاسی محکوم کرده است و این مجمع از کشورهای صنعتی می خواهد از موضع برتر خود به عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف تغییر رفتار سایر کشورها استفاده نکنند.

دوم: کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) نیز اقدامات قهرآمیز که علیه کشورهای در حال توسعه صورت می گیرد را محکوم می کند و تصریح می کند: تمام کشورهای توسعه یافته باید از اعمال محدودیت های تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازات های اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد علیه کشورهای در حال توسعه، به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشورهای اثر می گذارد، خودداری ورزند.

سوم: تحریم یک جانبه نقض حق توسعه کشورهاست. از آنجا که براساس اعلامیه وین ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ حق توسعه، به عنوان حق جدایی ناپذیر انسانی شناخته شده است لذا می توان اقدامات تحریمی را ناقض این اصل مهم حقوق

بشری دانست.

چهارم: تحریم های یک جانبه مداخله آشکار در امور داخلی و خارجی کشورهاست و این مسئله ناقض بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد می باشد. همچنین قطعنامه های ۱۰.۹.۵۰.۴۷ مجمع عمومی نیز که اعمال مقررات فراسرزمینی دولتی را منع می سازد با اعمال تحریم های یک جانبه نقض می گردد.

نوع دوم تحریم تحریم های شورای امنیت سازمان ملل علیه اعضاء می باشد. براساس تمهیدات پیش بینی شده در فصل هفتم منشور، شورای امنیت سازمان ملل متحد می تواند واکنش خود را نسبت به تهدید امنیت و صلح بین المللی، با توسل به تحریم ها نشان دهد.

همان طور که در سطور بالا آمد، مبنای حقوقی تحریم های اقتصادی در سازمان ملل به ماده ۴۱ منشور بازمی گردد که بیان می کند شورای امنیت می تواند برای اجرای تصمیمات خود، اقداماتی را که متضمن بکارگیری نیروی مسلح نباشد، در پیش بگیرد و می تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به یک سری قبیل اقدامات مبادرت ورزند. البته این اختیار منشور، به معنی استفاده از تمهیدات نیست، بلکه هر معیاری که به نظرش مقتضی است، به کار می گیرد و تحریم بعنوان عامل اجرای فشار سیاسی برای تغییر سیاست های دولت هایی است که به نظر شورا اعمالشان به تهدید صلح و امنیت بین المللی می انجامد.

دو پیش فرض در زمینه بکارگیری تحریم ها از طرف شورای امنیت وجود دارد:

الف) حکومت کشور مورد تحریم، با ارزیابی هزینه های تحریم های اعمال شده و منافع حاصل از رفتار مورد تحریم، روش و رفتار خود را بر مبنای خواست شورا تغییر خواهد داد.

ب) شورا با اعمال تحریم، خواستار ایجاد فشار سیاسی در درون کشور از طریق تحریم های اقتصادی و اثرگذاری بر مردم است. در نتیجه با آثار ناشی از تحریم انتظار می رود که گروه های مختلف داخلی در مخالفت با رژیم، تقویت شوند و در نهایت، دولت به تغییر در سیاست های خود که به نظر شورا، تهدید صلح و امنیت بین المللی است، دست خواهد زد. طبیعی است هر دو نظریه، زمانی معنا دارند که دولت ها حداقل در یک سطح، علاقمند به همکاری باشند.

تعهدات حقوقی دول عضو سازمان ملل متحد نیز بر مبنای ماده ۲۵ منشور ملل متحد است که دولت ها قبول و اجرای قطعنامه های شورای امنیت را پذیرفته اند و البته دولت های عضو، ممکن است ارتباطات خود را با دولت مورد تحریم در زمینه هایی که مورد تحریم نیستند ادامه دهند.

در حالی که شورای امنیت، نیروی نظارتی ویژه ای از خود ندارد و می تواند کمیته تحریم را در قطعنامه تحریم تأسیس نماید. این کمیته می تواند با دیگر سازمان ها و دولت ها در اجرای تحریم ها مورد به مورد کار کند. بر خلاف تحریم های یک جانبه کشورها علیه یکدیگر و مباحث حقوقی پیرامون آن، تحریم های شورای امنیت سازمان ملل به لحاظ حقوقی کمتر مورد سؤال قرار می گیرند. اصولاً از آنجا که این شورا مسئول مستقیم حفظ صلح و امنیت بین الملل است لذا اقدامات آن معمولاً در این راستا تفسیر شده و اصل قانونی بودن آن چندان مورد پرسش قرار نمی گیرد با این وجود برخی از حقوقدانان بین المللی معتقدند شورای امنیت در اعمال تحریم ها می باید

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را مدنظر قرار دهد و تحریم های خود را به شکل هوشمند انجام داده و شمول آن را از غیر نظامیان و اطراف ثالث خارج سازد. آنچه مسلم است آنکه تحریم های اقتصادی همیشه با آثار ناخواسته همراه بوده که بدون هر گونه تفکیک یا تمایزی، به نیروهای نظامی و غیرنظامی به خصوص به گروههای آسیب پذیر کشورها، صدمه وارد می آورد. لذا شورای امنیت می باید این مسئله را در نظر بگیرد که به موجب میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هیچ ملتی را نمی توان در هیچ شرایطی از وسایل معاش خود محروم کرد.

از سوی دیگر براساس نظر دیوان بین المللی دادگستری (لاهی) تعهد به تعلیق روابط قراردادی که ممکن است ناشی از یک قطعنامه شورای امنیت باشد، نمی تواند بر مقررات مربوط به حمایت از آحاد بشر که در معاهدات با خصلت های حقوق بشری و بشردوستانه گنجانده شده است، تأثیر گذارد. زیرا برخی از قواعد حقوق بشر مانند حق حیات، امروزه از جایگاه قواعد آمره بین المللی برخوردارند و در هیچ شرایطی قابل تخطی و نقض نیستند. در نتیجه، در صورت تعارض بین مقررات تحریمی شورای امنیت و موازین بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی، نمی توان جهت واداشتن دولتهای عضو به رعایت تصمیم های شورای امنیت به ماده ۱۰۳ منشور استناد کرد. هر چند در عمل در قضیه عراق و تحریم های این کشور صراحتاً این موارد نقض گردید و تحریم ها آثار بسیار مخربی بر افراد و غیرنظامیان عراقی داشت.

یکی از دبیرکل های سازمان ملل متحد تحت عنوان «دستورکاری برای صلح» پیشنهاداتی را به منظور محدود کردن پیامدهای منفی تحریم ها بر مبانی حقوق بشر به شورای امنیت ارائه داد. در رژیم تحریم های بین المللی، مقرراتی پیش بینی می شود که به موجب آن کلیه دولتها، از جمله دولتهایی که مورد تحریم هستند، دسترسی بلامانع کمک های بشردوستانه را تضمین کنند. این معافیت ها که هدف آن تطبیق رژیم تحریم با شرایط بشردوستانه جدید است عموماً در پی درخواست دولت های هدف تحریم و یا نهادهای بشردوستانه صورت می گیرد.

از سوی دیگر با درنظر گرفتن تحولات جدید در حقوق بین الملل که بر پایه ضرورت گسترش همکاری های بین المللی در کلیه زمینه ها بنا شده است (ماده ۲ پاراگراف ۴ منشور) و اینکه اعضای جامعه بین الملل نبایستی از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتها استفاده کنند، در می یابیم که تحریم های اقتصادی به طور جدی همکاری های بین المللی را تهدید می کند و با روح منشور ملل متحد در تناقض است. به طور کلی تحریم های اقتصادی برخلاف مقررات منشور ملل متحد (مواد ۱، ۵۵ و ۶۵) است که موارد حقوق بشر را در اعمال تحریم ها به شکل تلویحی مورد تأکید قرار می دهند.

هدف اعمال تحریم های بین المللی

تحریم های اقتصادی از جمله سازوکارهای اجرایی عمده ای است که در سالهای اخیر به دفعات متعدد از سوی شورای امنیت علیه بسیاری از کشورها اعمال شده است. سابقه اعمال این تحریم ها در دوران جنگ سرد تنها در دو مورد علیه کشورهای رودزیای جنوبی (زیمبابوه) در ۱۹۶۶ و آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷ مشاهده می شود. پس از جنگ سرد، شورای امنیت سازمان ملل چنین تحریم هایی را علیه کشورهای عراق، یوگسلاوی سابق، آنگولا، لیبی، رواندا، لیبیا، هائیتی، سودان و ایران اعمال کرده است. در واقع هدف از اعمال تحریم های اقتصادی، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین الملل و تشویق به رعایت این اصول و هنجارهاست.

تحریم‌ها براساس اهداف به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱) تحریم با هدف استراتژیک؛ در این حالت، منافع استراتژیک یک کشور در خطر قرار دارد، در این صورت تحریم جایگزین جنگ می‌شود (هزینه اش از جنگ کمتر است)؛

۲) تحریم با هدف تغییر رفتار؛ در این حالت، تحریم همه جانبه نخواهد بود و تغییر رژیم و بی‌ثبات کردن آن مورد نظر نیست.

براساس مطالعات صورت گرفته، معمولاً اعمال تحریم و مجازات علیه کشوری یا گروهی برای دستیابی به یکی از اهداف زیر و یا ترکیبی از آنها صورت می‌گیرد:

۱) پیشگیری از دستیابی یک کشور و یا گروه به توانمندی‌هایی که می‌توانند برای صلح و امنیت بین‌الملل خطرناک و یا نگران‌کننده باشند.

۲) تغییر رفتار یک دولت

۳) برای محدود کردن جنگ

۴) مقدمه‌ای برای بکارگیری قوه قهریه توسط سازمان ملل در برابر یک دولت

۵) برقراری تحریم ممکن است اهداف اعلام نشده‌ای را نیز دنبال کند.

۶) ایجاد موانع فرضی یا واقعی برای دشوار کردن ادامه راه.

۷) مهار یک جانبه، دوجانبه یا چند جانبه برای خنثی کردن و یا کاهش دامنه تهدیدات.

۸) بدنام کردن یک کشور یا هیئت حاکمه یک کشور یا یک گروه در سطح بین‌المللی به عنوان یاغی، متجاوز و یا منشأ خطر و تهدید.

۹) پاسخگو کردن و تغییر رفتار یک دولت در قبال مردم آن و یا جامعه بین‌المللی.

۱۰) همراه کردن از طریق اعمال دیپلماسی اجبار

همانطور که بیان شد هدف اصلی از اعمال تحریم‌های اقتصادی، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین‌الملل و تشویق به رعایت این اصول و هنجارهاست. اما طی دوره اخیر، شورای امنیت در اثر فشار قدرتهای بزرگ رویکردی دوگانه در قبال اعضاء اتخاذ نموده است. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا که به بهانه‌های مختلف سایر کشورها و دولت‌ها را مورد تهاجم قرار می‌دهد و یا تهدید به عملیات نظامی می‌کند و یا رژیم صهیونیستی که منشأ بسیاری از بحرانهای منطقه‌ای است، مصون از هرگونه اقدامات تحریمی هستند.

فصل دوم: جایگاه تحریم در منشور سازمان ملل متحد

بی‌شک مجازات متخلفان نقش به‌سزایی در کارایی هر نظام حقوقی بعهده دارد، یکی از مظاهر پیشرفت نظام حقوقی، وجود مقررات دقیق و جامعی در زمینه ضمانت اجراست. در جامعه بین‌المللی به علت برخوردار بودن هر یک از اعضای آن از حاکمیت که مانع اصلی ایجاد قدرت مافوق دولتها می‌باشد، در صورت نقض حقوق بین‌الملل دولت‌ها می‌توانند راساً اقداماتی را به منظور مجازات متخلف انجام دهند. این اقدامات می‌تواند اعتراض دیپلماتیک، قطع روابط دیپلماتیک یا تجاری و یا لغو یکجانبه قرارداد باشد. همزمان با پیشرفت و توسعه حقوق بین

الملل عمومی و در روابط با سازمان دهی روز افزون جامعه بین المللی، ضرورت انتقال تدریجی صلاحیت توسل به مجازات از دولت ها به سازمانهای بین المللی مشاهده شد. برای اولین بار بعد از پایان جنگ بین المللی اول، در چهار چوب میثاق جامعه ملل موضوع توسل به مجازات اقتصادی منجمله قطع روابط تجاری، و مجازات نظامی علیه دولتی که بدون در نظر گرفتن تعهدات خود ناشی از میثاق صلح را نقض کرده پیش بینی شد. طبق ماده ۱۶ میثاق هر یک از اعضای جامعه ملل موظف بودند که بی درنگ روابط خود را با دولت خطا کار قطع کند. توسل به مجازات نظامی بر خلاف مجازات اقتصادی علیه دولت خطا کار الزامی نبود. شک نیست که تعهدات دولت ها در چهار چوب میثاق جامعه ملل به منعی سلب صلاحیت در زمینه توسل به مجازات اقتصادی و نظامی نیست و فقط دولت ها را در صورت نقض صلح ملزم به توسل به مجازات اقتصادی علیه دولت خاصی می کند. معینا باید اذعان کرد که میثاق جامعه ملل اولین گام در جهت تنظیم مقرراتی در زمینه توسل به مجازات در سطح بین المللی و محدود کردن آزادی عمل دولتها است. قدم دوم که نقش فوق العاده موثری در این زمینه دارد. مقرراتی است که در منشور سازمان ملل متحد وضع شده است. طبق فصل هفتم منشور، در صورت تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز از طرف دولت عضو، شورای امنیت این سازمان می تواند به منظور تضمین صلح متوسل به عملیات اجرایی شود. اقدامات این شورا ممکن است ((شامل متوقف ساختن تمام و یا قسمتی از روابط اقتصادی...)) باشد و در صورتیکه اقدامات اخیر کافی نباشد شورا می تواند متوسل به نیروهای مسلح پیش بینی شده در منشور شود. در هر دو مورد اقدامات شورای امنیت برای کلیه اعضای سازمان الزام آور خواهد بود. بدین ترتیب بر خلاف میثاق جامعه ملل، منشور سازمان ملل متحد مسئولیت توسل به مجازات اقتصادی و نظامی را به شورای امنیت محول میکند. اقدامات دولتها در این زمینه موقوف به اتخاذ تصمیم توسط این رکن میباشد و هیچ گونه عملیات اجرایی و اقدامات قهر آمیز حتی ((به موجب قراردادهای منطقه ای بدون اجازه شورای امنیت انجام نخواهد گرفت)) و به طریق این محدودیت شامل دولتها نیز میشود.

محدودیت فوق عملا به منزله انتقال صلاحیت توسل به مجازات اقتصادی و تحریم اقتصادی از دولتها به سازمان ملل متحد است و حتی در مواردی که شورای امنیت از تصمیم گرفتن در این باره خودداری کند و یا به عللی منجمله رأی منفی یکی از اعضای دائم شورا و یا عدم حصول اکثریت موفق به تصویب قطعنامه نشود دولتهای عضو این سازمان نخواهند توانست متوسل به تحریم اقتصادی شوند. نظر به اهمیت مجازات اقتصادی و عواقب آن برای صلح جهانی سلب صلاحیت از دولتها در این زمینه به نفع شورای امنیت که مسئولیت برقراری صلح جهانی را بعهده دارد امری طبیعی و منطقی بنظر می رسد. تحولات اخیر حقوق بین الملل نیز در جهت تائید نظریه فوق می باشد.

بنابراین با توجه به اینکه حفظ صلح و امنیت بین المللی به عنوان مسئولیت اولیه به عهده شورای امنیت گذارده شده است، توسل به اقدامات اجبار کننده را باید مهمترین ابزار برای برقراری صلح جهانی تلقی کرد. در واقع اهداف منشور سازمان ملل با اجرای مقررات فصل هفتم این منشور (مواد ۳۹ تا ۵۱) و خصوصا مواد ۴۰ و ۴۱ آن تحقق می یابد.

پیش از اینکه شورای امنیت براساس موارد ۴۱ و ۴۲ اتخاذ تصمیم کند، بایستی به موجب ماده ۳۹ احراز شود که آیا «تهدید علیه صلح» «نقض صلح» یا «اقدام تجاوزکارانه» صورت گرفته است یا خیر. به عبارت دیگر تصمیمات شورای امنیت براساس فصل هفتم فقط با احراز یکی از مفاهیم مندرج در ماده ۳۹ باید اخذ شود. در صورت احتمال بروز هر کدام از این موارد، یکی از راه های پیش بینی شده جهت اعمال فشار بر کشورهای ناقض صلح یا متجاوز، برقراری تحریم به عنوان یک راه حل غیرنظامی می باشد. شورای امنیت براساس ماده ۴۱ به اقداماتی متوسل می شود که متضمن توسل به زور نیست. براساس تمهیدات پیش بینی شده در فصل هفتم، شورای امنیت سازمان ملل متحد می تواند واکنش خود را نسبت به تهدید امنیت و صلح بین المللی، با توسل به تحریم ها نشان دهد. در این قبیل اقدامات، شورای امنیت می تواند از اعضای ملل متحد بخواهد تا به اقداماتی چون قطع تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و یا سایر وسایل ارتباطی و یا قطع روابط سیاسی متوسل شوند.

فصل سوم: دلایل موافقان و مخالفان مشروعیت تحریم های یکجانبه

حقوقدانان و نظریه پردازان تحریم از دو جبهه موافق و مخالف به ارائه نظریات حقوقی، سیاسی، فلسفی، اقتصادی و گاه سلیقه ای برای اثبات مدعاتی خود پرداخته اند. همانطور که گفته شد ضعف موجود در تحقیقات حقوقی انجام شده در این حوزه اینست که اکثر قریب به اتفاق آنها با نگاهی جانبدارانه به رد یکجانبه تحریم اقتصادی یکجانبه پرداخته اند و دلایل موافقین تحریم کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

استدلالات موافقین تحریم یکجانبه

(۱) اصل بر حاکمیت کشورهاست

این اصل در حوزه فکری طرفداران «مکتب حاکمیت کشورها» جایگاه ویژه ای دارد. با توجه به این مکتب فکری که خود برخاسته از نگرش اثبات گرایانه در حقوق بین الملل است خودداری یک کشور از تجارت با کشوری دیگر- صرف نظر از انگیزه ها یا پیامدهای اقتصادی آن برای دیگر کشورها نمی تواند غیرقانونی باشد. طرفداران این مکتب معتقدند که اگر کشورها اصل عدم مداخله را پذیرفته اند باید توجه داشته باشند که خود این اصل ناشی از اصلی مبنائی تر و آن حاکمیت برابر تمام کشورهاست. چنانچه در بند ۱ ماده ۲ منشور این مطلب بدین صورت تایید شده است که «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضا آن قرار دارد». طبق نظر واتل مهمترین وظیفه و تکلیف یک دولت متوجه کشور خودش می شود. مفهوم حاکمیت به معنای مدنظر مدافعان آن به این نتیجه گیری منجر می شود که تصمیم در مورد به پاداشتن جنگ اقتصادی یا به شکل فراگیرتر آن امتناع از تجارت با دیگران در محدوده حقوق و اختیارات کشورهاست.

بر این اساس هر آنچه در حقوق بین الملل ممنوع نشده است در صلاحیت اختیاری و داخلی کشورها قرار دارد. چنانچه قاعده ای در ممنوعیت تحریم یا جنگ اقتصادی در حقوق بین الملل مشاهده نمی شود. این نظر همچنین توسط دیوان بین المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه امریکا نیز تایید شده است.

دیوان در بررسی های خود به این نتیجه می رسد که در صورت فقدان یک معاهده یا نوعی تعهد قانونی روشن و مشخص هیچ کشوری مکلف نیست که روابط خاصی را بیش از آنچه به مصلحت می داند ادامه دهد.

استفن نف در تحلیل های خود در رابطه با این اصل بیان می دارد شالوده نظر مذکور از این دیدگاه ناشی می شود که آنچه به عنوان "جامعه بین المللی" مطرح است یک جامعه تشکل یافته نیست بلکه مجموعه ای است از واحدهای اساساً مستقل نظامی که نخستین هدف و مأموریت هر کشور در آن تلاش جهت دستیابی به منافع خود است. بنابراین کشورها آزادند که در چارچوب صلاحیت های ناشی از اقتدارشان هرگونه رفتاری که به مصلحت خود ببینند اتخاذ نمایند.

۲) تحریم به عنوان عملی متقابل

در بحث نظام حقوق بین الملل توسل به زور از جمله استثنائاتی که ذکر می شود اقدامات متقابل است. بدین معنی که کشورها می توانند در صورتی که هدف نقض قواعد بین المللی قرار گرفتند به مقابله به مثل با کشور متجاوز برآیند. از جمله این اقدامات متقابل تلافی جویانه است. تلافی از انواع خودیاری و از اشکال قصاص است که فی نفسه عملی است غیرقانونی ولی به علت مسبوق بودن به یک عمل غیرقانونی دیگر مجاز شناخته می شود. تلافی باید متناسب با عمل ارتكابی باشد و هدف از آن متوقف کردن اعمال غیرقانونی است و در صورت تامین منظور فوق باید متوقف گردد. تحریم اقتصادی به عنوان عملی متقابل (تلافی) از آنجا که از اشکال توسل به زور نیست مشمول قواعد منع توسل به زور نمی شود بلکه جنگ اقتصادی جنگی است بدون توسل به تسلیحات نظامی. همچنین نظر به اینکه سیستم امنیت جمعی مندرج در منشور نتوانسته است از نقض صلح و تجاوز جلوگیری کند عده ای از نویسندگان از جمله "باوت" قایل به چنین حقی شده اند. چنانکه دیوان بین المللی دادگستری در قضیه گروگانگیری اعلام داشت که اقدامات انجام شده از سوی امریکا اقداماتی هستند که در پاسخ به آنچه که ایالات متحده آن را نقض فاحش حقوق بین الملل از سوی ایران تلقی می کند صورت گرفته است همچنین دیوان دائمی دادگستری در قضیه نولیا تاکید نمود چنانچه تقاضای پذیرفته نشده ای برای جبران خسارت مطرح و میزانی از تناسب میان جرم و مقابله به مثل وجود داشته باشد می توان دست به مقابله به مثل زد. همینطور داوری میان امریکا و فرانسه در قضیه موافقتنامه های سرویس های هوایی اعلام کرد که اگر وضعیتی پیش آید که به اعتقاد یک کشور نقض تعهد بین المللی از سوی کشور دیگر است کشور اول محق است در چارچوب محدودیت های مقرر شده بوسیله حقوق بین الملل عام در مورد توسل به نیروی نظامی، حقوق خود را با مبادرت به اقدامات متقابل مورد تاکید قرار دهد.

۳) فراسرزمینی بودن یک قانون به طور بالقوه اشکالی ندارد:

در برابر استدلال مخالفان تحریم مبنی بر اینکه قوانین تحریم یکجانبه امریکا قوانینی فرا سرزمینی است این استدلال بیان شده است. مخالفان تحریم معتقدند یک قانون نمی تواند خود را ورای مرزهای تصویب به کشورهای ثالث تحمیل نماید و با در نظر گرفتن مجازاتهای آنها را ملزم به رعایت قانون خود کند. این استدلال همانطور که در بخش بعدی در میان استدلالات مخالفان بررسی شده به جنبه ثانویه بودن تحریم توجه دارد. بدین معنی که تحریمهای ثانویه به علت فراسرزمینی بودن فاقد اعتبارند.

لیکن گفته می شود که این جنبه فراسرزمینی بودن و در نظر گرفتن مجازاتها برای کشورهای ثالث به طور بالقوه در نظر گرفته شده است و مصداق عینی و مشخص نداشته است. در این مورد امریکا در پی این نیست که قوانین خود را از طریق مامورانش در کشورهای دیگر به اجرا در آورد بلکه می کوشد اهداف خود را به کمک دادگاه ها و مقامات آن کشور جامه عمل بپوشاند. در واقع هر چند متولیان امریکائی قصد ترغیب و تحریک دیگر کشورها را برای همراهی آنها در تحریم ایران داشته اند اما کمتر موردی یافت می شود که امریکا از مرز تهدید فراتر رفته باشد و مجازاتهای مذکور در تحریم ثانویه را بر شرکتی بیگانه اعمال نماید. همچنان که شرکت نفتی توتال علی رغم تهدیدهای چندساله امریکا هنوز در جزیره سیری ایران مشغول به فعالیت است. در بررسی دقیق این استدلال باید بدین سوال پاسخ داده شود که آیا قانونی می تواند صرف تصویب مورد محاکمه قرار گیرد یا می بایست حتماً به مرحله اجرا درآمده باشد تا بتوان علیه آن ادعائی مطرح نمود؟

۴) تحریم امریکا شرط ضمن عقد است:

استدلال دیگری که موافقان تحریم اقتصادی امریکا در رابطه با قانون داماتو - کندی می کنند اینست که در این قانون از اتباع و شرکتهای امریکائی خواسته شده است تا در معاملات خود با دیگر اتباع، شرکت یا کشورهای بیگانه تعهد طرف مقابل را مبنی بر عدم تجارت در زمینههای مشخص شده با ایران بخواهد. به عبارتی ساده تر این قانون از تمام تابعان ایالات متحده امریکا می خواهد تا ضمن معاملات خود با شرکتهای خارجی این شرط را ضمن عقد به طور صریح یا ضمنی بگنجانند که شرکت خارجی از سرمایه گذاری در صنعت نفت ایران خودداری نماید. این استدلال برای توجیه تحریم ثانویه این قانون ذکر شده است.

در واقع این عده معتقدند مجازاتهای احتمالی اعمالی توسط امریکا که شامل قطع تجارت شرکتهای امریکائی با آنهاست ناشی از آن می شود که خود شرکتهای خارجی قبلاً این تعهد را به طور شرط ضمن عقد با شرکتهای امریکائی پذیرفته اند. بنابراین امریکا اصرار می ورزد تا شرکتهای و اتباع امریکائی در تجارت های خود این شرط ضمن عقد را که از قانون داماتو منبث می شود را در نظر داشته باشند و همچنین به طرف مقابل گوشزد نمایند که در صورت عدم رعایت قانون داماتو از تجارت های بعدی با شرکت امریکائی طرف قرارداد محروم خواهند شد. بنابراین از این منظر نیز تحریم ثانویه از مشروعیت کافی و قانونی برخوردار است.

۵) تحریم امریکا خلاف تعهدات عام الشمول امریکا نیست:

دلیل دیگری که در برابر استدلال مخالفان تحریم مطرح می شود اینست که تحریم های ناشی از قانون داماتو - کندی برخلاف تعهدات امریکا ناشی از کنوانسیون های جهانی نیست. در این مرحله اشاره مدافعان به تعهدات سازمان تجارت جهانی است. چرا که WTO کشورها را از قطع روابط معاملات تجاری منع می کند. لازم به ذکر است حقوق تجارت بین الملل دارای سه شاخه عمده است: انتقال کالا، انتقال سرمایه و انتقال نیروی کار. آنچه که در اساسنامه WTO مطرح نظر قرار گرفته است قواعد مربوط به انتقال کالا شامل معاملات تجاری، تعرفه های میان کشورها در مورد کالاها، صادرات و واردات، شرط کامله الوداد و ... است و در واقع WTO به بحث انتقال سرمایه نظری نداشته است تا کشورها تعهدی از این باب داشته باشند.

از سوی دیگر قانون داماتو متضمن منع سرمایه گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در میادین نفتی و گازی ایران است و خللی به مبحث انتقال کالا و قواعد مربوط به آن وارد نمی سازد. بنابراین از این جهت نیز می توان گفت قانون تحریم اقتصادی یکجانبه امریکا علیه ایران موسوم به قانون داماتو ناقض تعهدات عام الشمول بین المللی نیست و به عبارتی قانونی است.

۶) اصل آزادی تجارت اصل کلی حقوقی بین المللی نیست:

همچنین طرفداران تحریم اعتقاد دارند اصل آزادی تجارت اصلی برآمده از رفتار و پذیرش تابعان حقوق بین الملل نیست بلکه اصلی است برآمده از رفتار یکسان و مشابه صنف تاجران و شرکتهای تجاری در کشورهای مختلف. بنابراین، این اصل نمی تواند اصل حقوق بین الملل تلقی شود چرا که ماهیتاً اصلی است که می تواند میان اتباع و شرکتهای فراملی جاری باشد و نمی توان آن را به کشورها که عمل حاکمیتی انجام می دهند و نه تصدی گری تسری داد. بنابراین اصل "آزادی تجارت" به عبارت بهتر از "اصول حقوقی فراملی" است و نه از اصول حقوق بین الملل، برای همین نمی توان کشورها را ملزم به تبعیت از اصلی نمود که ذاتاً در کارکرد دولت نیست. برای اینکه اصلی بتواند جنبه بین المللی به خود گیرد باید از دو نظر با حقوق بین الملل مطابقت داشته باشد یکی موضوع و دیگری ماهیت آن اصل، که به نظر می رسد این اصل از هر دو نظر قابلیت ورود به نظام حقوق بین الملل را ندارد.

استدلالات مخالفین تحریم یکجانبه

۱) تعارض تحریم و اصل عدم مداخله:

دیوان بین المللی دادگستری در دعوی فعالیتهای شبه نظامی علیه نیکاراگوئه این اصل را بدین صورت تأیید می کند با توجه به یک قاعده عموماً پذیرفته شده، این اصل هر کشور یا گروهی را از مداخله مستقیم یا غیر مستقیم در امور داخلی یا خارجی دولتهای دیگر باز می دارد.

به اعتقاد دیوان بین الملل دادگستری صلاحیت داخلی کشورها تاجائی است که وارد تعهدات بین المللی آن کشور نشده باشد. بدین معنی که کشورها می توانند با استفاده از مکانیسم های مختلف حقوقی قسمتی از امور تحت صلاحیت خویش را به نظم بین المللی درآوردند در این صورت دیگر نمی توان آن مسئله را از امور داخلی آن کشور و تحت صلاحیت انحصاری کشور تلقی نمائیم.

اصل عدم مداخله که رویه دولت ها وجود آن را به شدت مورد تأیید قرار می دهد از وجود یک اجماع حقوقی میان دولتها حکایت می کند. این اصل در معاهدات دیگری نیز مانند ماده ۱۵ منشور سازمان کشورهای امریکائی (۱۹۴۸)، ماده ۸ منشور اتحادیه عرب (۱۹۴۵) و ماده ۳ منشور سازمان وحدت افریقا (۱۹۶۳) گنجانده شده است. این اصل در قطعنامه های ۲۱۳۱ XX، ۲۶۲۵ XXV و ۳۲۸۱ XXIX مجمع عمومی تأکید شد. با توجه به رای دیوان بین المللی دادگستری ملاحظه می شود این رای چند بعد دارد. تأکید بر مستقیم یا غیرمستقیم بودن، دخالت در امور داخلی یا خارجی کشور و همچنین مضمولیت دولتها و گروه های وابسته به آن نشان از دقت دیوان و اهمیت موضوع دارد.

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) قطعنامه ای با عنوان "عدم قبول اقدامات اقتصادی قهرآمیز" صادر نمود که در آن اشاره می دارد "کشورها حق اعمال محدودسازی، محاصره، ممنوعیت معامله یا سایر مجازاتهای اقتصادی به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی سیاسی و اجتماعی کشورها اثر گذارد ندارد". علاوه بر این ماده ۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بشر اینگونه مداخلات ناقص اصل "حاکمیت بر منابع طبیعی" می داند: کلیه کشورها می توانند برای نیل به هدفهای خود منابع و ثروتهای طبیعی خود را بدون لطمه به تعهدات ناشی از همکاری اقتصادی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین الملل آزادانه به مصرف برسانند.

(۲) تنافی تحریم و آزادی تجارت:

این استدلال از مکتب "منع قانونی" نشأت می گیرد که این مکتب بیشتر از نظریه های اقتصادی - سیاسی کلاسیک لیبرال ناشی شده تا حقوق بین الملل. اقتصاددانان سیاسی کلاسیک لیبرال از مدافعان سرسخت تجارت آزادند تا جایی که بیان می دارند اخلال به جریان طبیعی و عادی معاملات اقتصادی موجب خسارت به اقتصاد جهانی خواهد شد. این دسته از اقتصاددانان و حقوق دانان معتقدند که جامعه بین المللی منافع مشترکی در اقتصاد جهانی دارد. در این صورت کشورها نه تنها حق دارند در حرکت جامعه جهانی به سمت شکل دهی یک نظام یکپارچه و باز قدم بردارند بلکه موظفند از اخلال به روند این توسعه جلوگیری نمایند. بنابراین آنچه از منظر حقوقدانان بین الملل در این رابطه اهمیت دارد نه الزام کشورها به ایجاد ارتباط تجاری با تمام کشورهاست بلکه منع کردن دولتها از جلوگیری از اتباع خود برای فعالیتهای تجاری آزاد با دیگر ملتها و دولتهاست.

تحریم اقتصادی که روشی مسالمت آمیز برای حل اختلافات بین المللی و یا جبران خسارت نیست بر با اصول اولیه منشوراست. کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) با توجه به این مطلب طی قطعنامه ای اعلام می دارد که

“این اقدامات کمکی بر ایجاد جو مسالمت آمیز که لازمه توسعه است” نمی کند. آنکتاد در قطعنامه ای دیگر با عنوان “عدم قبول اقدامات اقتصادی قهر آمیز” اینگونه بیان می دارد: “تمام کشورهای توسعه یافته باید از اعمال محدودیت تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازاتهای اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد علیه کشورهای در حال توسعه، به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها اثر می گذارد، خودداری ورزند”.

البته همانطور که در قطعنامه با عبارت “اجبار سیاسی” اشاره شده است مسلم است که اگر این اقدام خود در راستای تنظیم روابط اقتصادی و با اهداف اقتصادی مدون در برنامه‌های توسعه یک کشور باشد هیچ منافاتی ندارد صورت گیرد اما هنگامی که همین اقدام با انگیزه و قصدی سیاسی آمیخته شود آنگاه این عمل با آزادی تجارت مذکور در قطعنامه منافات خواهد داشت.

از مجموع رویه دولتها نیز می توان این اصل را استخراج نمود چرا که با رجوع به نظام داخلی کشورها مشاهده می شود که در زمینه قوانین مربوط به تجارت و اقتصاد اصل بر آزادی اتباع قرار گرفته است مگر آنکه توسط قانونی محدود شود. این اصل حقوقی داخلی بلاشک از اصول اولیه و طبیعی در حقوق خصوصی، معاملات و تجارت است. با استفاده از متدولوژی حقوق بین الملل و یا استفاده از روش استقرا می توان اصل کلی حقوقی را برای نظام حقوق بین الملل استنباط نمود که همان آزادی تجارت تابعان حقوق بین الملل اعم از کشورها و شرکتهای فراملی است. بنابراین می توان گفت در نظام حقوق بین الملل اصل بر آزادی تجارت است مگر آنکه قاعده‌ای مصرح حقوقی آن را ممنوع یا محدود سازد. در این زمینه ماده ۴۱ منشور ملل متحد این اختیار را به شورای امنیت داده است تا در صورت اقتضا این محدودیت را اعمال نماید. با توجه به حرکت این اصل به سمت عرفی شدن تحریم بانکهای صادرات (با ۲۳ شعبه بین المللی)، ملی (با ۱۷ شعبه بین المللی) و ملت (با ۷ شعبه بین المللی) و تحریم سپاه پاسداران و مبادلات آن بیش از آنچه در قطعنامه های شورای امنیت اجازه داده شده است نقض صریح این اصل عام الشمول بشمار می آید.

۳) مبایت تحریم با تعهدات بین المللی:

باوت اظهار می دارد “در مواردی که اقدامات اقتصادی منجر به نقض تعهدات عهدنامه ای خاص یا یک اصل حقوق بین الملل گردد غیر قانونی است”. هرچند ایران توانست به عضویت ناظر WTO درآید و در چارچوب این سازمان با توجه به اصول حاکم در آن امید به رفع تحریم های ایران رود لیکن باید به جایگاه عضو ناظر در یک سازمان توجه کافی مبذول داشت. یکی از اصول حاکم بر WTO اصل MFN است که طبق آن دولتهای عضو جایز به اعمال تبعیض آمیز در صادرات و واردات کالا و خدمات از جمله از طریق تحریم نمی باشند. از طرف دیگر ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹ یک کشور از زمان اعلام رضایت به معاهده تا لازم الاجرا شدن آن موظف به خدشه وارد نکردن به موضوع و هدف معاهده هستند. هرچند ایران رضایتش را مبنی بر پیوستن

به WTO اعلام کرده است و تا زمان لازم الاجرا شدن معاهده راهی نمانده است اما تکلیف مذکور در ماده ۱۸ ناظر بر کشور در حل پیوستن است نه کشور عضو. در این رابطه ایران موظف به عدم لطمه به اصول WTO است و نه امریکا. بنابراین هرگونه توسل به WTO تا زمان عضویت کامل ایران مفید به نظر نمی رسد.

اما امریکا با این عمل خود تعهدات دیگری را منبعت از عهدنامه مودت، تجارت و حقوق کنسولی ۱۹۵۵ و بیانیه الجزایر نقض کرده است. عهدنامه مودت، تجارت، و حقوق کنسولی ۱۹۵۵ که اعتبار آن توسط دیوان بین المللی دادگستری در قضیه دعوی اسکوه‌های نفتی ایران علیه امریکا تأیید شده است. دیوان اذعان می دارد "هرچند در حال حاضر (۱۹۸۰) بنا به تصمیم امریکا مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک راه اجرای مؤثر عهدنامه بسته شده ولی مقررات آن (عهدنامه مودت) همچنان بخشی از حقوق حاکم بر روابط ایران و امریکاست". بر اساس بند ۲ ماده ۸ این معاهده "هیچ یک از طرفین متعاهدین محدودیت یا ممنوعیتی نسبت به ورود هرگونه محصول طرف دیگر نسبت به صدور هرگونه محصول به قلمرو طرف دیگر قائل نخواهد شد مگر اینکه ورود محصول مشابه از کشورهای ثالث یا صدور محصول مشابه به کشورهای ثالث همچنان محدود یا ممنوع شده باشد".

بنابراین با توجه به عدم اعلام فسخ یکجانبه معاهده توسط طرفین و جریان داشتن تعهدات این موافقتنامه میان ایران و امریکا به غیر قانونی بودن اقدامات امریکا می توان پی برد.

علاوه بر این در سال ۱۹۸۱ پس از ۴۴۴ گروگانگیری سفرای امریکا توسط ایران به میانجیگری جمهوری دموکراتیک الجزایر موافقتنامه ای تدوین شد تا بتواند به جریانات گروگانگیری و مابقی اختلافات سابق و آینده میان این دو کشور پایان دهد. بند ۱۰ بیانیه اعلام می دارد "ایالات متحده امریکا در قبال ایران متعهد شده است که کلیه تحریم‌هایی را که از نوامبر ۱۹۷۹ علیه ایران تحمیل کرده است الغا نماید" هر چند امریکا پس از این موافقتنامه که اکثر تحریم‌های اعمالی از طرف خود را رفع نمود اما مجدداً از سال ۱۹۸۳ امریکا اعمال تحریم ها را علیه ایران از سر گرفت که از جمله تحریم‌های اخیر امریکا ناقض تعهد مزبور بشمار می رود.

ایران به دنبال تصویب قانون داماتو دادخواستی را در سال ۱۹۹۶ علیه امریکا به دیوان داوری دعاوی ایران و امریکا تقدیم کرد (پرونده الف/۳۰) که هنوز در حال رسیدگی است. هرچند امریکا استدلال می کند که این تحریم نقض بیانیه نیست چرا که مربوط به امور خارجی ایران است و نه امور داخلی و همچنین مربوط به سیاست اقتصادی می شود و نه سیاست بین المللی و نظامی

همچنین بعد ثانویه قانون داماتو مابین تعهدات بین المللی امریکا با کشورهای ثالث است. از جمله تعهدات ناشی از سازمان کشورهای امریکائی (OAS)، سازمان همکاری برای توسعه (OECD) و موافقتنامه تجارت آزاد شمال امریکا.

۴) تحریم و حقوق بشر:

تحریم یکجانبه می تواند قواعدی از حقوق بین الملل بشر را نقض کند. بعضی از آنها در ذیل بیان می گردد. حق فعالیت اقتصادی: میثاق بین المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مواد ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸ حقوقی از قبیل حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق برخورداری از زندگی مناسب از جمله غذا، پوشاک و مسکن کافی، بهداشت، آموزش و پرورش حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون و حق برخورداری از مزایای دستاوردهای فکری و هنری بیان شده است.

لازم به ذکر است تحریمهای آمریکا علیه ایران در مجموع از چند جنبه به اقتصاد ایران لطمه وارد کرده و می کند. صادرات نفت، گسترش و نوسازی حوزههای نفتی، واردات عمومی و سرمایه گذاری خارجی از حوزه هائی هستند که مورد هدف و لطمه قرار گرفته اند. همچنین گفته می شود در آمد سرانه ایران دو سوم کمتر از نوع خود در قبل از انقلاب شده است.

حق بر توسعه: در اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ حق توسعه به این صورت توصیف شده است "حقی جهانی و جدائی ناپذیر و جزء جدا نشدنی حقوق اساسی بشر". همچنین اعلامیه حق توسعه این اصل را چنین بیان می دارد "حق انسانی جدائی ناپذیر که به موجب آن هر انسانی و تمام مردم حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن کلیه حقوق انسانی و آزادی های اساسی بطور کامل تحقق می یابد مشارکت و همکاری کرده و از آن بهره مند شوند". کمیسیون حقوق بشر تحت عنوان "حقوق بشر و اقدامات قهرآمیز یک جانبه" به صراحت محدودیت های تجاری، محاصره ممنوعیت معامله و مسدود کردن دارائی ها را به عنوان اقدامات مجبور کننده ای فهرست می کند که از لحاظ حقوق بشر جرم محسوب می شوند. تحریم های آمریکا موجب اختلال به روند توسعه مذکور گردیده است.

حق تعیین سرنوشت: منشور ملل متحد در بند ۲ ماده ۱ خود چنین ذیل مقاصد سازمان بیان می دارد "توسعه روابط دوستانه در روابط بین الملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی". حق خودمختاری یا تعیین سرنوشت - فارغ از تفاوت های جزئی آنها - در نظام حقوق بین الملل بشر به عنوان اصلی اولیه شناخته شده است که بدون احترام به آن صلح پایدار جهانی امکانپذیر نخواهد بود. با توجه به اهداف پیدا و پنهان آمریکا از اعمال تحریم که نهایتاً وارد آوردن فشار به قشر وسیعی از مردم و شاخه ای از نیروهای مسلح که در مقدمه قانون اساسی ایران ارتشی مکتبی معرفی شده اند است تا بدان وسیله به مطلوب خود که براندازی نظام است برسد می توان بدین نتیجه رسید که تحریمهای یکجانبه آمریکا علیه ایران به طور غیرمستقیم لطمه ای است به حق تعیین سرنوشت و خودمختاری ملت ها که مورد تاکید قطعنامه ای مختلف و اعلامیه های گوناگون نیز قرار گرفته است. بنابراین با فرض اثبات اهداف غیرمشروع آمریکا در مداخله در نظام سیاسی ایران و تغییر آن - چنانچه قبلاً سیاسی بودن این تحریمها ثابت گردید - می توان بدین معنی قائل بودن که آمریکا با این اقدام خود به نوعی قاعده شناخته شده حق تعیین سرنوشت را در مورد ملت ایران نفی می کند.

اصل مسئولیت فردی در مجازات: اقدامات قهری مانند تحریمهای اقتصادی جامع علیه کشوری قبل از هر چیز شکلی از تنبیه دسته جمعی می باشد که با اصل اخلاقی مسئولیت فردی نامتناسب است. تنبیه آنهایی که مسئول تصمیمات سیاسی مشخصی نیستند ممکن است با توجه به تلاش به ضربه زدن مستقیم به مردم کشور هدف، اقدامی تروریستی قلمداد شود. به هر حال وارد ساختن خسارتهای عمدی به مردم بی گناه فی نفسه یک عمل غیراخلاقی است که با هیچ ساختار منفعت گرایی توجیه نمی شود.

علاوه بر موارد یاد شده تحریمهای یکجانبه اقتصادی نامشروع بدون مبنای قانونی می تواند به حقوق دیگری از این نظام برتر بین المللی (حقوق بشر) لطمه وارد آورد به طور مثال تحریمهای امریکا در صنعت هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران به گفته وزیر راه و ترابری ایران موجب شده تا جان مسافران هوایی به خطر افتد و این خود نقض حق امنیت و یا حتی حق حیات می تواند تلقی شود.

در انتها لازم است در مورد مشروعیت قوانین و فرامین تحریم مانند قانون داماتو و لیست اخیر تحت فرمان ۱۳۳۸۲ دولت امریکا در برابر مردم کشور خود توضیحی داده شود. شاید در بداهه تصور شود تصویب این قانون که شرکتهای و اتباع خود را از بعضی از انواع تجارت با ایران منع می کند موجب شده تا نقض تعهدات مربوط به محو تبعیض نژادی صورت گیرد. چرا که دولت امریکا با استثنا کردن دولت و شرکتهای ایرانی موجب شده تا در فعالیتهای اقتصادی اتباع امریکا تبعیض آشکار و فاحش ایجاد نماید و مانع از بهره مندی اتباع این کشور از سود ناشی از معاملات با ایران شود.

هر چند در ماده ۱ کنوانسیون محو تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵ اعلام می شود که "تبعیض نژادی از نظر این کنوانسیون به معنای هرگونه تبعیض، محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و نسب یا ریشه ملی یا قومی است که در شناسائی مربوط به زندگی عمومی لطمه وارد می سازد" اما در بندهای ۲، ۳ و ۴ از همین ماده به این معنی اشاره شده است که "مقررات مختلف و متفاوتی که دولتها در مورد اتباع خود و بیگانگان وضع و اجرا می کنند یا قواعدی که مربوط به تابعیت می شوند مشمول تعریف تبعیض نژادی فوق الذکر نمی گردد". بنابراین از این منظر نمی توان دولت امریکا را متهم به نقض قواعد منع تبعیض در قبال مردم خود دانست چرا که موضوع تحریم دائرمدار بر کشور ایران و تابعیت ایرانی است و آنچه که موجب تمایز میان افراد مورد معامله اقتصادی قرار می گیرد تابعیت ایرانی آنهاست که بر اساس کنوانسیون این اقدام مجاز شناخته شده است.

فصل چهارم: محدودیت های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم ها

(۱) محدودیت های شورا به موجب اصول حقوق بین الملل عام

برخی عقیده دارند که شورای امنیت موظف می باشد از حقوق بین الملل عام تخلف ننماید مگر آنکه منشور در مورد خاص اجازه ی چنین اقدامی را به شورا داده باشد. التزام شورای امنیت به اصول بین الملل عام در زمینه ی اعمال تحریم های اقتصادی مستلزم رعایت سه اصل مهم می باشد: اصل انسانی بودن اصل ضرورت و اصل تناسب

الف) اصل انسانی بودن تحریم های اقتصادی

این اصل که به مفهوم رعایت جنبه های انسانی در اعمال این گونه تحریم هاست یکی از اصول مهم برگرفته از حقوق بین الملل عام می باشد. با این وجود اصل انسانی بودن مستلزم رعایت حقوق بشر و سایر حقوق انسانی می باشد نکته ای که لازم است مدنظر قرار گیرد این است که اصل انسانی بودن با اصل رعایت موازین حقوق بین الملل بشر متفاوت است، به این معنا که اصل انسانی بودن دایره وسیع تری دارد و بسیاری از حقوق انسانی را که در زمره حقوق بشر قرار نمی گیرند نیز دربرمی گیرد. با این وجود، اصل انسانی بودن با توجه به گستره وسیع خود، مستلزم رعایت حقوق بشرنیز می باشد و اعم از حقوق بشر و سایر حقوق انسانی است. اصل انسانی بودن مصادیق متعددی دارد؛ ماده ۲ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ در بیان حقوق اسیران جنگی، برخی از این مصادیق را ذکر کرده است که عبارتند از: آسایش فردی، بهداشت، محل مناسب زندگی، مواد خوراکی مناسب و مغذی، دسترسی به آب آشامیدنی کافی، پوشاک، مراقبت پزشکی، حق انجام مناسک مذهبی و فرصت انجام دادن فعالیت های فکری، آموزشی، تفریحی، ورزش و بازی. همان گونه که ملاحظه می شود، اصل انسانی بودن از دایره شمول گسترده ای برخوردار است و کلیه حقوق انسانی اعم از حقوق بشر و غیر آن را دربرمیگیرد. نتیجه اعمال اصل انسانی بودن به عنوان یک اصل کلی حقوقی بر اقدامات غیرنظامی شورای امنیت، این است که چنین اقداماتی نباید به آن درجه از شدت باشند که انسان ها را در معرض شرایط غیرانسانی حیات قرار داده و با خطر بیماری و مرگ مواجه سازند.

ب) اصل ضرورت

اصل ضرورت در هر موردی که به یک مرجع عمومی اختیارات تشخیصی اعطاء شده باشد، کاربرد دارد. چنین مرجعی باید این امر را احراز نماید که اقداماتی که اعمال می کند به منظور نیل به اهداف اساسی که به خاطر آنها ایجاد گردیده، ضروری می باشند. اصل ضرورت درزمین های متعددی کاربرد دارد که از آن جمله می توان به روابط بین المللی، حقوق بین الملل بشرو حقوق مخصصات مسلحانه اشاره نمود. از آنجایی که سازمان ملل متحد به اصول کلی حقوق بین الملل ملتزم می باشد، شورای امنیت ملزم به رعایت اصل ضرورت به عنوان یکی از اصول حقوق بین الملل عام خواهد بود.

استناد به اصل ضرورت در روابط بین المللی در موارد مختلفی ممکن است انجام پذیرد. به عنوان مثال کشوری که با یک خطر شدید و قریب الوقوع مواجه می گردد و ناگزیر می شود از تعهدات بین المللی خود تخطی نماید

به این دلیل که تنها شیوه حفاظت از منافع اساسی اش را در این اقدام می بیند، می تواند به اصل ضرورت استناد نماید.

برخی از حقوقدانان، ضرورت را یکی از جنبه های تناسب محسوب نموده اند. به نظر آنان، تناسب در صورتی تحقق خواهد یافت که تحریم اقتصادی، اولاً ضروری باشد و ثانیاً در قبال رفتار متخلفانه طرف مقابل، واکنشی مناسب به شمار آید.

معیار ضرورت با موضوع کارامدی تحریم نیز ارتباط دارد برای تحقق شرط ضرورت برنامه تحریم باید به گون های طراحی شده باشد که بتوان به نحو متعارف از آن انتظار تحقق بخشیدن هدف مورد نظر را داشت. به عبارت دیگر، رفتار تحریم شونده را تغییر داده و موجب گردد که او از قواعد حقوقی تبعیت نماید. نکته دیگر آن است که لازمه اصل حسن نیت، به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی، رعایت اصل ضرورت می باشد. به عبارت دیگر اصل حسن نیت ایجاب می نماید، مرجع تحریم کننده، در اعمال تحریم به اقدامی فراتر از حد لازم مبادرت نرزد. بنابراین شورای امنیت هنگام ایفای وظایف خود از جمله زمانی که لازم می بیند در برابر تهدید یا نقض صلح واکنش نشان دهد، باید با حسن نیت عمل نماید، در نتیجه لازم است براساس اصل ضرورت اقدام کند.

با پذیرش این مطلب که اصل ضرورت به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی نسبت به اقدامات شورای امنیت قابل اعمال می باشد، این نتیجه حاصل می شود که هرگونه خدشه به حقوق بشر قابل تعلیق که منطقیاً به عنوان نتیجه این قبیل اقدامات قابل پیش بینی است، باید در جهت نیل به هدف مشروع اقدامات مزبور، ضروری تشخیص داده شود. به عنوان مثال، چنانچه ممنوعیت یا محدودیت مسافرت بین المللی افراد مقیم در کشور مورد تحریم به عنوان بخشی از اقدامات اجرایی غیرنظامی، مورد توافق قرارگیرد باید محرز شده باشد که چنین محدودیتی نسبت به حقوق شهروندان آن کشور برای نیل به هدف مشروع اقدامات مزبور، ضروری است.

ج) اصل تناسب

اصل تناسب با ضرورت ارتباط دارد. گفته می شود که میزان هر محدودیتی باید دقیقاً با ضرورت تناسب داشته باشد و یا متناسب با منفعت بالاتری باشد که به وسیله آن محدودیت، مورد حمایت قرار گیرد. اصل تناسب صرفاً در ارتباط با اقدامات مشروع و ضروری قابل استناد می باشد. بنابراین چنانچه اقدامی از نظر حقوق بین الملل نامشروع و متخلفانه باشد، استناد به معیار تناسب به منظور مشروع جلوه دادن آن نمی تواند موجه باشد؛ اقدامات متقابل و تصمیمات شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد از جمله اقدامات مشروعی می باشند که استناد به معیار تناسب در مورد آنها امکان پذیر است. اصل تناسب مستلزم آن است که تحریم ها متضمن واکنشی مناسب در قبال رفتار کشور مورد تحریم باشد. به این منظور لازم است منافع حاصله از برنامه تحریم بیش از زیان های ناشی از آن باشد. طبق ماده ۵۱ طرح مواد راجع به مسئولیت دولتها اقدامات متقابل باید با در نظر گرفتن شدت عمل متخلفانه ی بین المللی و حقوق مورد بحث با زیان وارده متناسب باشد. تناسب هرگز به معنای تشابه و تساوی نیست؛ زیرا در این صورت، به عنوان مثال، نقض شدید حقوق بشر در طول اعمال تحریم

اقتصادی به منظور مقابله با نقض شدید حقوق بشر در یک کشور مجاز خواهد بود که امری غیر منطقی است. نکته دیگر در ارتباط با اصل تناسب این است که طولانی شدن تحریم اقتصادی در شرایطی ممکن است معیار تناسب را دستخوش تغییر نماید ممکن است با بوجود آمدن تغییراتی در کشور مورد تحریم، اقدامی که در آغاز معمولی و متناسب بوده به یک اقدام ویرانگر و نامتناسب تبدیل گردد البته عکس این موضوع نیز صادق است؛ به این معنا که ممکن است تغییرات ایجاد شده، تحریمی را که ابتدائاً نامتناسب بوده است به اقدامی متناسب تبدیل نماید. همچنین این امکان وجود دارد که با تغییر شرایط در کشور مورد تحریم، تحریم هایی که در آغاز متناسب بوده اند، کارایی و تأثیرگذاری اولیه خود را از دست بدهند و به صورت اقداماتی بیش از حد ملایم درآیند. در هر صورت، با تغییر شرایط و اوضاع و احوال، تغییر و تعدیل تحریم ها به منظور رعایت اصل تناسب ضروری خواهد بود.

ذکر این نکته نیز ضروری است که طولانی شدن مدت تحریم بدون بروز تغییرات اساسی در وضعیت کشور مورد تحریم، به خودی خود، تناسب را منتفی نمی سازد؛ زیرا هرچند تشدید تحریم ها بدون در نظر گرفتن اصل تناسب مجاز نمی باشد، اما تداوم تحریم ها به منظور نیل به هدف مورد نظر مجاز است.

۲) محدودیت های شورا به موجب قواعد آمره

این دیدگاه که شورای امنیت دست کم به قواعد آمره ملتزم می باشد مورد مناقشه نیست. آنچه که درباره آن اتفاق نظر وجود ندارد این است که آیا شورای امنیت منحصراً ملزم به رعایت قواعد آمره می باشد؟ این عقیده که شورای امنیت فقط ملزم به رعایت قواعد آمره می باشد، پذیرفتنی نیست؛ زیرا این نهاد به عنوان یک رکن اصلی سازمان ملل متحد، باید وظایف خود را براساس اساسنامه سازمان و نیز قواعد عام حقوق بین الملل و قواعد آمره و همچنین معاهدات بین المللی انجام دهد. این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که قاعده آمره منبع مستقلاً محسوب نمی گردد بلکه وصف و ویژگی سایر منابع حقوق بین الملل از جمله معاهدات عام و حقوق بین الملل عرفی می باشد. به عبارت دیگر قواعد آمره از حیث منشأ تکوین و تکامل همواره به معاهدات عام و حقوق بین الملل عرفی متکی هستند. نتیجه ای که از احراز شخصیت حقوقی بین المللی سازمانهای بین المللی استنباط می گردد این است که این سازمانها علاوه بر آنکه باید وظایفی را بر مبنای اساسنامه خود انجام دهند، به همان ترتیب ملزم به رعایت کلیه اصول حاکم بر حقوق معاهدات، در رابطه با معاهداتی هستند که به عنوان یک شخصیت حقوقی بین المللی با دولتها و یا سایر سازمانهای بین المللی منعقد می نمایند. قواعد آمره می تواند محدودیتهای شناخته شده متعددی را که نسبت به اختیارات شورای امنیت می توان از منشور، اصول کلی حقوق بین الملل و عرف استنباط نمود، تکمیل نماید. کمیسیون حقوق بین الملل قواعد آمره را در ارتباط با موجبات زوال وصف متخلفانه و مشروعیت اقدامات متقابل نیز مورد اشاره قرار داده است. از آنجایی که تحریم های اقتصادی همانند اقدامات متقابل اعمالی واکنشی محسوب می شوند و برای آنکه از مشروعیت برخوردار باشند، در دارا بودن برخی از شرایط با اقدامات متقابل وجه مشترک دارند، نظر کمیسیون به تحریم های اقتصادی نیز قابل تعمیم می باشد. ضمن آنکه برخی از دیدگاههای کمیسیون بیانگر قواعد عرفی و یا اصول کلی حقوقی است. بر این اساس اصولاً اتخاذ تحریم های اقتصادی مغایر با موازین حقوق بشر در قبال نقض حقوق بشر مجاز نخواهد بود، مگر آنکه در چارچوب

اصول ضرورت و تناسب، اهمیت حقوق بشری که هدف تحریم های اقتصادی حمایت از آنهاست، بیش از حقوقی رهگذر اعمال تحریم های اقتصادی نقض می شوند. روشن است منشور ملل متحد حداقل در عالم حقوق همواره در معرض تهدید بطلان از طریق ایجاد یک قاعده آمره بین المللی می باشد و در صورت تحقق این امر، تجدیدنظر در منشور ضروری خواهد گردید؛ زیرا وجدان جامعه بین المللی با پذیرش قاعده آمره مغایر با منشور ملل متحد، در واقع اراده خود را جهت تجدیدنظر در منشور ظاهر ساخته است ... به این لحاظ می توان گفت قاعده آمره ... مسامحتاً می تواند زیربنای قانون اساسی در جامعه بین المللی قرار گیرد و به همین دلیل منشور ملل متحد در پرتو اوامر و نواهی آن قرار می گیرد؛ زیرا در تحلیل نهایی معاهده ای بین المللی با ویژگیهای خاص خود می باشد و نه بیشتر و در سلسله مراتب حقوقی، قاعده آمره بر آن حکومت می نماید. قواعد آمره مندرج در معاهدات بین المللی نیز بر منشور مقدم می باشند و شورای امنیت نباید آنها را نقض نماید. در نتیجه شورای امنیت موظف است در وضع برنامه های تحریم اقتصادی، قواعد آمره را در نظر گیرد و حتی این قواعد را بر مقررات منشور نیز مقدم دارد بر این اساس، شورای امنیت، به عنوان مثال باید در اعمال تحریم های اقتصادی، حق حیات را که جزء قواعد آمره می باشد، رعایت نماید.

۳) محدودیت های شورا به موجب قواعد خاص منشور ملل متحد

الف) موثر بودن تحریم های اقتصادی

تحریم اقتصادی یکی از انواع اقدامات دسته جمعی می باشد و بر این اساس باید از کارآمدی و تأثیرگذاری لازم برخوردار باشد. چنانچه اقدامات دسته جمعی، از جمله تحریم های اقتصادی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی مؤثر نباشند، نباید اعمال گردند و در صورتی که اجرای آنها آغاز شده و بی تأثیر تشخیص داده شده اند باید متوقف گردند. از آنجایی که جمعیت غیرنظامی غیرمسلح به احتمال فراوان قادر به تهدید صلح نمی باشد، بعید است اعمال تحریم های اقتصادی علیه آن به عنوان اقدامی مؤثر به منظور اعاده صلح تلقی گردد. بر همین اساس، یکی از وظایف کمیته های تحریم شورای امنیت بررسی موضوع تأثیرگذاری و کارآمدی تحریم های اقتصادی می باشد. اعمال تحریم ها به صورت پلکانی و تشدید آنها نیز نشانگر آن است که شورای امنیت به کارآمدی و مؤثر بودن تحریم ها توجه خاصی دارد. همچنین در سالهای اخیر شورای امنیت با اعمال تحریم های هوشمند که مستقیماً علیه افراد متخلف و یا سران دولتهای خاطی به اجراء درمی آید، در راستای مؤثرتر ساختن تحریم ها گام برداشته است.

ب) هماهنگی در اعمال تحریم های اقتصادی

از یک سو در استفاده از تحریم های اقتصادی، شورای امنیت باید اصل عدم تبعیض را مراعات نموده و چنانچه شرایط و وضعیت در قضایای جداگانه، مشابه بوده و اعمال تحریم اقتصادی را ایجاب نماید، به استفاده از تحریم های اقتصادی مشابه مبادرت ورزد. از سوی دیگر، در اجرای برنامه های تحریم نیز تفاوتی میان کشورها مگر براساس شرایطی که برای مؤثرتر ساختن تحریم ها ضروری است قایل نشود. به بیان دیگر، شدت و ملایمت

تحریم‌ها صرفاً باید بر مبنای شرایط واقعی و نیز با رعایت اصل تناسب تنظیم گردد و شورا نباید در این زمینه براساس انگیزه‌ها و ملاحظات سیاسی عمل نماید.

(ج) مواد ۳۹ و ۴۱ منشور ملل متحد^۱

اگر ماده ۴۱ به تنهایی در نظر گرفته شود بیانگر آن خواهد بود که شورای امنیت می‌تواند صرف نظر از وجود یا فقدان تهدید علیه صلح یا نقض صلح، هریک از اقدامات مذکور را در هر زمان اعمال نماید. چنین برداشتی با مفاد ماده ۳۹ منشور مغایر می‌باشد. مواد ۳۹ و ۴۱ باید در ارتباط با یکدیگر مورد توجه قرار گیرند. اقدامات مذکور در ماده ۴۱ در صورتی قابل اعمال می‌باشد که شورا وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را که در ماده مقرر گردیده است، احراز نموده باشد. در واقع شورا پس از آنکه وجود هریک از وضعیت‌های مذکور در ماده ۳۹ را احراز نمود، این اختیار را دارد که از طرفهای ذی‌نفع بخواهد اقدامات موقتی را که شورا ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد، به عمل آورد (ماده ۴۰ منشور) و تصمیم بگیرد، اقداماتی را که متضمن استفاده از نیروی مسلح نباشد، برای اجرای تصمیماتش اعمال نماید (ماده ۴۱ منشور)، یا چنانچه ثابت شود اقدامات مذکور در ماده ۴۱ ناکافی می‌باشد، تصمیم به اتخاذ اقداماتی به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی بگیرد که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری باشد. (ماده ۴۲ منشور)

بنابراین تشخیص اینکه اقدامات لازم به تدریج و در مراحل مختلف اجرا شود و یا آنکه از همان آغاز اقدام مقتضی اعم از تحریم اقتصادی و یا اقدامات نظامی به عمل آید با شورای امنیت خواهد بود تا براساس شرایط و اوضاع و احوال موجود، تصمیم‌گیری نماید. در واقع توالی منطقی مقرر در منشور، برگرفته از اصول ضرورت و تناسب می‌باشد، به این معنا که اولاً، اقدامات اجرایی در چارچوب فصل هفتم منشور برای حفظ یا اعاده صلح ضرورت داشته باشد و ثانیاً، این اقدامات با توجه به خصوصیات هر قضیه، متناسب باشند.

(۴) محدودیت‌های شورای امنیت به موجب قواعد حقوق بشر

(الف) طرح موضوع

ملاحظات مربوط به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، شورای امنیت را بر آن داشته است که به هنگام وضع مجازاتهای اقتصادی طبق ماده ۴۱ منشور، حتی الامکان آنها را با موازین حقوق بشر و علایق بشردوستانه منطبق نماید.

(ب) حدود التزام شورای امنیت به قواعد حقوق بشر در زمینه اعمال تحریم‌های اقتصادی

^۱ ماده ۳۹ منشور: شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح نقض صلح و یا عمل تجاوز را احراز نموده و توصیه‌هایی خواهد نمود و یا تصمیم می‌گیرد چه اقداماتی را براساس مواد ۴۱ و ۴۲ به منظور حفظ صلح و امنیت به عمل آورد.

ماده ۴۱ منشور: شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد چه اقداماتی که شامل استفاده از نیروی مسلح نباشد برای اجرای تصمیماتش اتخاذ نماید و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به چنین اقداماتی مبادرت ورزد....

۲۳. منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

برخی از حقوقدانان، معتقدند که شورای امنیت باید به هنگام اجرای وظایفش ب هموجب ماده ۴۱ منشور، از جمله در اعمال تحریم های اقتصادی، کلیه انواع حقوق بشر را رعایت نماید. برای اساس انان مفاد قطعنامه های ۸۲۰ و ۹۲۲ شورا که مطابق آنها حق عبور کشتی های حامل کالا به یوگسلاوی سابق صرفاً بر مبنای ظن به تخلفات سابقشان سلب گردید را ناقض حق بر دادرسی عادلانه مقرر در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی قلمداد نموده اند؛ زیرا اجازه داده نشد که حقوق و تکالیف مالکان این دسته از کشتی ها مورد رسیدگی قضائی قرار گیرد. من حیث المجموع، خودداری از چنین اقدامی کلیت نظام تحریم های اقتصادی و به ویژه قربانیان چنین اقداماتی را که به آنان این امکان داده نمی شود تا حقوق و تکالیفشان توسط یک نهاد قضائی بین المللی مورد بررسی قرار گیرد، تحت تأثیر قرار می دهد. در مقابل، دسته ای دیگر از صاحب نظران، طیفی از حقوق بشر را که به موجب میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، به عنوان حقوق غیر قابل تعلیق شناخته شده است و از جمله شامل حق حیات، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی می گردد، در شمار قواعد آمره محسوب نموده و معتقدند که شورای امنیت ملزم به رعایت قواعد مزبور می باشد.

بنابراین، حدود التزام شورای امنیت به رعایت قواعد حقوق بشر به هنگام اعمال تحریم های اقتصادی در پرتو اصول ضرورت و تناسب قابل تعیین و ارزیابی خواهد بود. محدودیت دوم این است که شورای امنیت نباید در برنامه های تحریم اقتصادی، قواعد حقوق بشر را به نحوی که موجب تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی گردد، نادیده گیرد؛ زیرا این اقدام با توجه به مسئولیت اصلی شورا در حفظ صلح و امنیت بین المللی، نقض غرض و نا فی فلسفه وجودی شورا می باشد. بنابراین، چنانچه وضعیت معیشتی مردم یک کشور به گونه ای باشد که اعمال تحریم های گسترده اقتصادی به تشدید درگیری ها و هجوم پناهندگان به کشورهای همسایه منجر گردد، شورای امنیت باید از برقراری چنین تحریم هایی خودداری نموده و به تحریم های محدود و هدفمند که صرفاً مقامات دولتی و یا سران گروههای شورشی یا تروریستی را شامل میشود اکتفا نماید.

۵) محدودیت های شورا به موجب قواعد بشردوستانه

الف) طرح موضوع

برخی معتقدند که موازین حقوق بشردوستانه بین المللی شامل برنامه های تحریم اقتصادی که در خلال یک مخاصمه مسلحانه اعمال می گردند نیز می شود؛ براساس قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه، جمعیت غیرنظامی باید در قبال جنگ و آثار آن تا حد امکان مورد حمایت قرار گیرند. این امر مستلزم آن است که غیرنظامیان همواره از ضروریات زندگی من جمله غذا، آب آشامیدنی، مسکن، دارو و مراقبت پزشکی بهره مند باشند.

ب) اصل تفکیک

مقصود از اصل تفکیک در حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه آن است که باید میان مبارزان و غیرمبارزان تمایز به عمل آید و کسانی که در هدایت عملیات جنگی نقشی ندارند نباید هدف اقدامات مسلحانه قرار گیرند . همچنین برخی اماکن و اموال و اشیاء نباید هدف حملات نظامی واقع شود.

تشخیص و تفکیک مبارزان و غیرمبارزان دارای ریش‌های عرفی بسیار کهنی می‌باشد... اصل اساسی حاکم بر موضوع این است که نه جمعیت غیرنظامی و نه افراد غیرنظامی نباید هدف حملات قرار گیرند. در مقابل، آنها نیز نباید در مخاصمات شرکت کنند. در غیر این صورت خصیصه غیرنظامی بودن خود را از دست خواهند داد. غیرنظامیانی که در مخاصمات شرکت نداشته باشند، تحت حمایت حقوق بین الملل قرار می‌گیرند. تحریم‌های جامع و گسترده برخلاف تحریم‌های جزئی، بنابه ماهیتشان اجازه تفکیک میان مردم عادی و دولت یا نهاد‌های خاص دولتی که سیاست‌هایشان می‌تواند تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گیرد را نمی‌دهند. تحریم‌های جامع، مردم عادی را به صورت گروگان‌هایی در دست شورای امنیت و دولت یا دولتهایی که اقدامات قهری را اجراء می‌نمایند، درمی‌آورند بنابراین تحریم‌هایی منطبق با اصل تفکیک می‌باشند که صرفاً افراد مسئول و متخلف را تحت فشار قرار دهند. این گونه تحریم‌ها به تحریم‌های هوشمندانه موسوم گردیده‌اند و مهمترین مصداق آنها، تحریم‌های مالی می‌باشد.

ج) ممنوعیت ایجاد گرسنگی و تشنگی

بند ۱ ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول به معاهدات ژنو ۱۹۴۹ مقرر می‌دارد: ایجاد گرسنگی برای مردم به عنوان یک شیوه جنگی ممنوع است. بنابراین، درحالی که هرگونه ایجاد گرسنگی برای مردم عادی در خلال مخاصمات مسلحانه که ممکن است در زمان کوتاهی جریان داشته باشد، ممنوع می‌باشد، این ممنوعیت را می‌توان به برنامه‌های تحریم اقتصادی که گاه سالها به طول می‌انجامد و جمعیت وسیعی از مردم یک کشور را با قحطی و گرسنگی مواجه می‌سازد، تعمیم داد.

فصل پنجم: نگاهی به تاثیرگذاری‌های سیاسی تحریم در دیوان بین المللی دادگستری

نظریه مشورتی دیوار حائل در سال ۲۰۰۴ و نظریه مشورتی سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ از جمله مواردی است که در آنها اعمال نفوذ دولت‌های قدرتمند در عرصه بین المللی، در برخی مواضع اعلام شده از سوی دیوان، مانع از صدور نظری پیشرو در حقوق بین الملل شد.

مارتی کاسکنمی، یکی از حقوقدانان نظریه پرداز در این باره معتقد است که حقوق بین الملل حاصل پروژه‌ای سیاسی است که اغلب اوقات تحت سلطه قدرت‌های سیاسی قرار می‌گیرد. در واقع، اگر این موضوع در فرایند قانونگذاری و در قالب منابع بنیادین حقوق بین الملل یعنی معاهدات و موافقتنامه‌های بین المللی حاصل مذاکرات دو یا چند جانبه و همین‌طور، در چارچوب عرف بین المللی در قالب رویه‌های یکسان در موضوعی مشخص که بر اثر پیدایش اعتقادی حقوقی به قاعده‌ای لازم الاجرا تبدیل می‌شود، اما مشاهده اقتدار سیاسی و اعمال نفوذ

بازیگران و واحدهای سیاسی در حیطه تعیین حقوق در چهره محاکم بین المللی امری است که تا حدود بسیاری بعید می نماید. در واقع، اگر سازوکارهای قضایی و حل و فصل اختلافات بین المللی تحت تأثیر نیروهای خارج از دادگاه قرار گیرد، تأمین عدالت به عنوان آرمان حقوق خدشه دار خواهد شد. گاه نیز فرایندهای درونی متأثر از قدرت های سیاسی در ترکیب قضات نیز اثرگذار است که نمونه کامل آن را می توان در دیوان بین المللی دادگستری به عنوان رکن اصلی قضایی ملل متحد و همین طور، مهم ترین مرجع حل و فصل اختلافات دولت های با صلاحیتی عام در رسیدگی به اختلافات مشاهده نمود.

اگر به سمت های پیشین برخی از قضات حاضر یا قبلی در ترکیب دیوان نگاهی داشته باشیم، مشخص می شود که برخی از این افراد در تصدی سمت دیوان که دست کم ۹ سال به طول خواهد انجامید، دیپلمات بوده اند و داشتن چنین نگرشی در حل و فصل اختلافات میان دولت ها نیز اثرگذار خواهد بود. (به عنوان نمونه می توان به قاضی اودا، رئیس پیشین دیوان اشاره داشت) به عنوان نمونه در نظریه مشورتی کوزوو در سال ۲۰۱۰، دیوان با توجه به ترکیب حداکثری قضات آن که دیپلمات بوده اند، دست به صدور نظریه ای زد که به دلیل در نظر گرفتن آثار احتمالی آن برای آینده بسیاری از کشورهای جهان، به نحو شایسته ای به مقوله صلح و امنیت بین المللی به عنوان بنیان اصلی تشکیل ملل متحد توجهی ابراز نکرد. در واقع، دیوان خط سیر استدلالی موجود در لوایح کتبی ارائه شده کشورهایی چون انگلستان و ایالات متحده آمریکا را در این باره مد نظر قرار داده و فرازهایی از نظریه مزبور این ادعا را منعکس می کند.

از طرفی حضور کشورهای قدرتمند به عنوان طرف اختلاف در دیوان نیز گاهی رفتار ورأی پایانی دیوان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در این باره می توان به رأی سکوهای نفتی در سال ۲۰۰۳ اشاره داشت که کشورمان در سال ۱۹۹۲ علیه آمریکا اقامه کرده بود و به رغم پرداختن دیوان به مسأله نقض قاعده آمره توسل به زور، آمریکا را مسوول این موضوع ندانست. البته این موضوع را می توان در سابقه دیوان و در رأی نیکاراگوئه علیه آمریکا در سال ۱۹۸۶ مشاهده نمود که در آنجا پس از احراز مسئولیت آمریکا در برخی موارد صورت گرفته در قضیه کمک به نیروهای شورشی کنترا، آمریکا اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان را مسترد داشت و به این ترتیب عکس العمل خود را به رأی پایانی دیوان ابراز داشت.

دادگاه بین المللی مهم دیگر در عرصه بین المللی، دیوان بین المللی کیفری است که مقر آن نیز همچون دیوان بین المللی دادگستری در لاهه هلند قرار دارد. با این که به نظر می رسد اعمال نفوذ چندانی در امور کیفری به دلیل طبع رسیدگی ها و آیین دادرسی به طور مشخص قابل تصور نباشد، اما صدور نظریه دادستانی در خصوص قابلیت اعمال صلاحیت خود در خصوص اعلامیه فلسطین در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹ می باشد که نمی توان منکر فشارهای نامرئی بر این نهاد شد که تبلور دفاع از حقوق افراد حاضر جامعه بین المللی می باشد، صدور نظری در کمتر از دو صفحه و عدم اعلام صلاحیت حتی بدون احراز اتهامات بارزی که در گزارش هیات ها و گزارشگران مربوط به وضعیت فلسطین از جمله هیأت حقیقت یاب در خصوص وقایع جنگ ۲۲ روزه غزه به ریاست ریچارد گلدستون

در سال ۲۰۱۰ میلادی، به دلیل این که رژیم اسرائیل طرف دیگر اتهامات احتمالی است، می توان نشانگر انعطاف غیرقابل قبول نهاد مزبور دانست.

نکته شایان ذکر دیگر این است که حقوقدانان و محافل حقوقی نیز در این خصوص تحلیل هایی ارائه نکرده اند و موضوع را به سکوت برگزار کرده اند.

حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات میان دولت ها و مقابله با بی کیفی، دو ارزش مورد توجه جامعه بین المللی در حقوق بین الملل معاصر بوده است و می توان گفت امروزه به اصول بنیادین این حقوق تبدیل شده اند. با این حال، نباید در عرصه تحلیل ها و سنجش های حقوقی، نگاهی محض داشت و با توجه به طبع تابعان حقوق بین الملل که دولت ها در صدر نشسته و مصدر موضوعات دیگر حقوق بین الملل هستند، بی توجه بود. هرچند، حقوق همواره در سودای عدالت است و آرمان شهر ذات حقوق چنین گرایشی است، اما سیاست زدگی و مواضع قدرت طلبی و در پی منافع خویشتن صرف بودن، همواره منافع جامعه بین المللی را مورد بی اعتنایی قرار داده و گاه روند رو به رشد قواعد و سازوکارهای تأمین عدالت را در چارچوب حقوق بین الملل کند و سرگردان می کنند.

بخش دوم: تحریم ها و جمهوری اسلامی ایران

فصل اول: دیدگاه حقوقدانان و پژوهشگران غربی در مورد تحریم های ایران

جمعی از محققان و پژوهشگران دانمارکی، اعمال تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران را در عین ناکارآمد بودن، غیرقانونی، غیر انسانی و خلاف موازین حقوق بشر و حقوق بین الملل برشمردند. جمعی از محققان دانمارکی با حضور و سخنرانی در میزگرد تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران که در سالن اجتماعات هتل رادیسون کپنهاگ برگزار شد، با غیرقانونی، ظالمانه و غیر انسانی خواندن تحریم های سیاسی و اقتصادی غرب علیه ایران بر لغو هر چه سریعتر این تحریم های ناعادلانه تاکید کردند. در این نشست که از سوی موسسه صلح جهانی دانمارک با حضور جمع کثیری از دانشگاهیان، دانشجویان، محققان دانمارکی و نمایندگان سفارتخانه های مقیم در آن مشارکت داشتند، تعدادی از اساتید دانشگاه و حقوقدان ها و همچنین سفیران جمهوری اسلامی ایران، کوبا و ونزوئلا در دانمارک و رئیس موسسه صلح جهانی دانمارک به تشریح ماهیت غیرقانونی تحریم ها و بی اثر بودن آن پرداختند^۱

(۱) تحریم ها اسلحه ای برای ضربه زدن به کشورهای مستقل دنیا

تئو مگنسون (Tue Magnessun)، محقق دانشگاه رسکیلد (دانمارک) در سخنان خود با اشاره به تاریخ تحریم ها علیه کشورهای مستقل دنیا، گفت: متاسفانه در دنیای متمدن امروزی، از تحریم ها بعنوان ابزار و اسلحه ای در

^۱ به گزارش روزنامه کیهان شماره ۲۰۴۷۰ مورخ ۲۹ فروردین ۱۳۹۲
۲۷. منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

جهت ضربه زدن به دیگر کشورها استفاده می شود. وی تاکید کرد: تحریم های یکجانبه فاقد هرگونه مبنای حقوقی بوده و در تعارض کامل با حقوق بین الملل می باشد. افزون بر اینکه این قبیل تحریم ها کارآمد نبوده و تنها رنج و سختی برای مردم کشور تحت چنین تحریم هایی به همراه دارد. این محقق دانمارکی خاطر نشان کرد: تاریخچه تحریم ها علیه دیگر کشورها نشان می دهد که انسان های بیگانه زیادی آسیب دیده اند که تحریم آمریکا علیه کوبا، کره شمالی و عراق نمونه این امر می باشد و اینک این قبیل تحریم ها که مشروعیت ندارد به ایران تسری پیدا کرده است. این استاد دانشگاه دانمارک ادامه داد: به نظر من برای حل هرگونه اختلاف تنها باید از گفتگو و مذاکره بهره برد زیرا تحریم و جنگ کارساز نبوده و مسیر مناسبی برای حل اختلاف نیستند.

۲) تحریم ها روی دیگر نسل کشی است

خانم کاریداد یامیرا کوئتو، سفیر کوبا در دانمارک به عنوان یکی دیگر از سخنران های این نشست، تحریم ها را روی دیگر نسل کشی خواند و گفت: آنچه به تهدید ایران و یا نگرانی از تهدید آنی از جانب ایران نامیده می شود، بهانه هایی برای فشار و تحریم های علیه این کشور می باشد. وی افزود: تحریم ها علیه ایران با هدف ایجاد شورش داخلی در این کشور وضع شد، دانشمندان ایرانی به قتل رسیدند و مشکلات دیگری برای این کشور ایجاد کرده اند تا به هدف خود برسند. این دیپلمات کوبایی با بیان اینکه تحریم ها مثل تسلیحات مرگ بار عمل می کنند، خاطر نشان کرد: تحریم های علیه کوبا نیز تفاوتی با ارسال مردم به قتلگاه های کشتار و محرومیت آنها از غذا و دارو نداشت. خانم یامیرا کوئتو با تاکید بر اینکه، همه مردم حق دارند در صلح و آرامش زندگی کنند و آزادانه به غذا و دارو دسترسی داشته باشند، گفت: اروپا و آمریکا تحریم های علیه ایران را سخت تر می کنند چون به همراه اسرائیل مخالف ایران هستند و مایل نیستند شاهد ایران مستقل و قدرتمند در منطقه باشند.

۳) فشار و تهدید علیه ایران خلاف مقررات بین المللی است

کریستین هارلنگ، (Christian Harlang)، حقوقدان و از وکلای شناخته شده دانمارکی نیز طی سخنانی در این نشست، گفت: بعنوان یک وکیل معتقدم اگر قوانین بین الملل بخوبی رعایت می شدند دنیا جای بهتری برای زندگی کردن بود و اگر دولت های آمریکا و انگلیس به قوانین بین المللی احترام می گذاشتند فاجعه عراق شکل نمی گرفت. وی افزود: قانون بین الملل می گوید هیچگونه حمله نباید صورت گیرد مگر اینکه تهدید آنی باشد و به نظر من عمل نکردن به قانون بین الملل شبیه رعایت نکردن قوانین رانندگی است که در آن راننده متخلف تصادف می کند و با این تصادف هم به خود و هم به دیگران آسیب می رساند. این حقوقدان دانمارکی، با تاکید بر اینکه فضای فشار و تهدید علیه ایران خلاف مقررات بین المللی است، گفت: در واقع فشار و تحریم بخشی از عادت کشورهای بزرگ به عمل نکردن به تعهدات و عمل نکردن به قوانین و اصول بین الملل است. وی با بیان اینکه تحریم علیه ایران نوعی تهدید می باشد و با این کار کشورهای اروپایی و آمریکا منشور سازمان ملل را نقض کرده اند، گفت: بویژه اینکه در ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد آمده که هرگونه تهدید علیه صلح ممنوع است و طبق

ماده ۳۹ هرگونه تهدید نوعی از تجاوز بشمار می رود. هارلنگ ادامه داد: برای دستیابی به صلح و رعایت قوانین بین الملل باید دست از تهدید، تحریم و فشار برداشته شود و آمریکا و اسرائیل نیز نباید صلح و امنیت جهان را به مخاطره بیندازند.

۴) تحریم ها موجب خودکفایی و استغناى اقتصادى ایران خواهد شد

حمید بیات، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کپنهاگ، دیگر سخنران این نشست بود که ضمن تاکید برماهیت غیرحقوقی و غیر انسانی تحریم ها علیه کشورمان گفت: تحریم ها در میان مدت و دراز مدت موجبات شکوفایی و استغناى اقتصادى کشورمان را فراهم خواهد ساخت اما در عوض بحران اقتصادى اروپا را عمیق تر نموده و تصویر منفی و غیر انسانی از اروپا نزد ملت ایران ایجاد خواهد نمود. بیات با بیان اینکه تحریم ها علیه ملت ایران فاقد مبنای حقوقی است، گفت: البته تحریم ها برای ملت ایران امری جدید نبوده و با آن بیگانه نیستند و از روزهای آغازین انقلاب اسلامی تحریم علیه کشور ما به رهبری آمریکا وضع شد و بتدریج ابعاد گسترده ای یافته است. به گفته بیات، آژانس با انجام بیش از ۷۵۰۰ نفر روز بازرسی از فعالیت های هسته ای کشورمان در چند سال اخیر، به یک رکورد بی سابقه از بازرسی ها دست یافته است ضمن اینکه مدیرکل قبلی و فعلی آژانس بارها اعلام داشته اند که شواهدی مبنی بر انحراف به اهداف نظامی در فعالیت های ایران دیده نشده است. سفیر جمهوری اسلامی ایران در بخش پایانی سخنان خود ضمن تاکید بر عزم کشورمان به ادامه فعالیت های هسته ای صلح آمیز، گفت: تحریم ها تاثیری بر عزم ملت ایران برای دستیابی به استقلال سیاسی و استغناى اقتصادى نداشته و آنچه که باقی می ماند خشم و نفرت در میان ایرانیان نسبت به واضعان تحریم ها بعنوان یک حرکت ضدبشری و غیر انسانی خواهد بود. وی همچنین ابراز امیدواری کرد با تلاش های انسان های صلح جو، عدالتخواه و بشردوست، شاهد جهانی عاری از ظلم، بی عدالتی و دنیایی مملو از عشق و دوستی و زندگی مسالمت آمیز پیروان همه ادیان در اقصی نقاط جهان باشیم.

۵) تهدیدها ایران را مجبور به عقب نشینی نخواهد کرد

یان اوبرگ، (Jan Oberg)، رئیس موسسه بنیاد تحقیقات صلح سوئد، یکی دیگر از سخنران این نشست نیز سخنان خود را با این عنوان که هیچ تحریمی نباید علیه ایران اجراء شود آغاز کرد. وی در بخش دیگری از سخنان خود با غیر منطقی و تحقیرآمیز برشمردن تحریم ها افزود: کسی را بواسطه کاری که انجام داده مجازات می کنند، حال چگونه ایران که کار خلاف موازین بین المللی انجام نداده، باید مجازت شود که این خلاف مقررات بین المللی بوده و صرفا برخاسته از منافع قدرت های بزرگ می باشد. وی با بیان اینکه باید با ایران همکاری شود، گفت: تهدیدها باعث همکاری بیشتر ایران نخواهد شد و گفتن اینکه تمام گزینه ها روی میز است، راه حل نیست. اوبرگ در ادامه به موضوع خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی اشاره کرد و گفت: اسرائیل به کرات قطعنامه های

سازمان ملل متحد را نقض کرده و می کند، پس چگونه می تواند به دیگران درس اخلاق بدهد و از ایران بخواهد برنامه هسته ای خود را برچیند وقتی که خود بیش از ۲۰۰ کلاهک هسته ای در اختیار دارد.

۶) تحریم های ایران در واقع جنگ اقتصادی است

راجر کورباچو، کاردار ونزوئلا در دانمارک نیز در این نشست، گفت: امروزه برخی کشورها به سلاح تحریم و فشار علیه کشورهای مستقل روی آورده اند که امری خلاف موازین بین المللی می باشد. کورباچو افزود: تحریم ها علیه ایران به مثابه جنگ اقتصادی می باشد چرا که مانع از تجارت عادی ترین کالاها می شود و اخیرا برخی شرکت های اروپایی و آمریکایی از صادرات کالاهای دارویی و پزشکی به ونزوئلا خودداری کردند و اعلام داشتند که تحت تحریم هستید. وی با طرح این سوال که تحریم ها چه ارتباطی به دارو و تجهیزات پزشکی دارد، گفت: این امر نشان می دهد که جان انسانها برای آمریکا و حامیانش ارزشی ندارد. کاردار ونزوئلا در دانمارک افزود: پیام ما به جهانیان این است که کشورهای مستقل در دستیابی به حقوق قانونی خود مصمم هستند و فشارها و تحریم ها اثری ندارد.

۷) ۳۰ سال تحریم ایران هیچ اثری نداشته است

عابد علی، رئیس موسسه صلح جهانی دانمارک، بعنوان برگزار کننده و میزبان این سمینار در پایان ضمن جمع بندی جلسه، گفت: تاریخ ایران سراسر صلح و دوستی با همسایگان و دیگر کشورها بوده و ایران هرگز به کشور دیگری حمله ای نداشته است، تحریم ها علیه ایران نیز غیرقانونی بوده و هیچ مبنای حقوقی و اخلاقی ندارد. وی افزود: متأسفانه برخی قدرتهای بزرگ انسانیت و حقوق بشر را زیر پا گذاشته و از تمامی ابزارهای نامشروع برای حصول به منافع خود استفاده می کنند که تحریم ها از جمله این ابزارهای نامشروع می باشد. رییس موسسه صلح جهانی دانمارک خاطر نشان کرد: بیش از سه دهه است که مردم ایران با تحریم ها خو گرفته اند و در این میان شرکت های اروپایی بیشتر از ایران ضرر می کنند و بخشی از افزایش بیکاری در اروپا ناشی از تحریم های ایران است.

هچنین همایش بین المللی تحریم های یکجانبه از دیدگاه حقوق بین الملل دیگری با حضور سخنرانان برجسته ای از بین قضات دیوان های بین المللی و اساتید مطرح حقوق بین الملل دانشگاه های اروپایی و آسیایی و با مشارکت گسترده محققان و سفرای کشورهای مختلف در شهر لاهه، پایتخت حقوق بین المللی جهان، برگزار شد.^۱

— کاظم غریب آبادی، سفیر کشورمان در هلند در این زمینه گفت: سخنران افتتاحیه این همایش بین المللی قاضی کروما، نایب رئیس سابق دیوان بین المللی دادگستری بود و ۱۰ حقوقدان و کارشناس عالیرتبه حقوقی بین المللی نیز در دو بخش «تحریم های یکجانبه و حقوق بین الملل» و «تحریم های یکجانبه و مسئولیت پذیری» به بررسی این موضوعات پرداختند.

^۱ به گزارش پایگاه خبرگزاری اینترنتی ایرنا مورخ ۲۲ تیر ۱۳۹۲
۳۰. منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

وی گفت هرچند ادعا می شود که این تحریم ها برای مقابله با نقض تعهدات بین المللی وضع می گردند، اما خود این تحریم ها یکجانبه هستند که ناقض تعهدات بین المللی واضعان آن می باشند و این موضوعی بسیار خطرناک است. قاضی کروما در ادامه ضمن تاکید بر این که تحریم های یکجانبه که با هر بهانه ای وضع می گردند با اصل برابری دولت ها تعارض داشته، افزود: «از نظر من این عمل نقض تعهدات بین المللی است و نمی تواند به عنوان وسیله ای حقوقی بین المللی مستند به منشور ملل متحد به کار گرفته شود.»

— خانم پرفسور هیساناکاناشی، استاد دانشگاه دوشیشای ژاپن نیز در سخنرانی خود با عنوان «یکجانبه گرایی و همکاری های بین المللی» اظهار داشت که مقامات آمریکایی به صراحت هدف از تحریم ها علیه ایران را اعمال فشار بر دولت ایران و تغییر نظام عنوان کرده اند، در حالی که این تحریم ها علی رغم چندین سال که از اجرای آنها می گذرد هدف اصلی خود را تامین نکرده است و تنها زندگی روزمره مردم عادی را در حوزه اقتصادی تحت تاثیر قرار داده است.

— سخنران دیگر این سمینار، پروفیسور پل دوآرت استاد دانشگاه آمستردام بود. وی در سخنرانی خود با عنوان «تحریم های اقتصادی و حقوق بشر» اظهار داشت بحث در مورد تاثیر تحریم های اقتصادی بر حقوق فردی بشر عمدتاً بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متمرکز است. وی ضمن بررسی رابطه تحریم ها و نقض حقوق بشر در اثر اعمال تحریم ها، تاکید نمود چنانچه تحریم ها بر حقوق اساسی بشر و مردم تاثیر بگذارد آن تحریم ها قطعاً مغایر حقوق بین الملل و حقوق بشردوستانه می باشند.

— خانم مایا لستر، وکیل انگلیسی نیز از دیگر سخنرانان این سمینار بود که "تحریم ها در دیوان اروپایی" را مورد بررسی قرار داد. وی گفت که اتحادیه اروپا تعداد زیادی از نظام های تحریمی با اهداف مختلف سیاست خارجی را داراست و البته در مورد ایران برخی از اصول در موارد تحریم نهادهای ایرانی توسط اتحادیه رعایت نشده است. نتیجه این رویکرد را می توان در تصمیم دیوان اروپایی در مورد بانک ملت مشاهده نمود. هم اکنون شاهد آن هستیم که دیوان از دولت های اروپایی خواسته است تا مصادره اموال علیه بانک ملت و بانک صادرات را لغو کنند. این دادگاه استدلال کرد که اتحادیه اروپا نتوانسته است شواهد کافی درباره ارتباط این دو بانک با برنامه هسته ای ایران فراهم آورند.

— یری هانسسل، مدیر بخش خارجی اتاق بازرگانی جمهوری چک نیز درخصوص "تاثیر تحریم ها بر تجارت بین المللی" صحبت کرد. وی اظهار داشت: "متأسفانه بخش های تجاری و اقتصادی با اعمال تحریم ها توسط بخش های سیاسی به گروگان گرفته می شوند. بسیاری از شرکت های اروپایی و حتی آمریکایی از طریق کشورهای ثالث کالا و خدمات خود را به بازارهای ایران می رسانند. این امر نشان می دهد که تحریم کنندگان به هدف نهایی خود نرسیده اند و فقط هزینه های شرکت های ایرانی یا خارجی را افزایش داده اند. صدای بخش تجاری این است که حال که تحریم ها عملاً بلا اثر بوده و در عین حال غیرقانونی هستند، پس بیایید آن ها را بردارید."

— دبیرکل سازمان حقوقی مشورتی آسیا - آفریقا (آلکو)، «پروفیسور رحمت محمد» نیز در این سمینار سخنرانی خود را با عنوان «تحریم های یک جانبه در حقوق بین الملل» ارائه نمود. وی اظهار داشت: «تحریم های یک جانبه بر اساس حقوق بین الملل مجاز شناخته نشده اند. منشور سازمان ملل متحد تنها اقدامات اقتصادی جمعی را پیش بینی

نموده است. استفاده از تحریم های یکجانبه، نقض اصول اساسی منشور سازمان ملل متحد و برخی دیگر از اسناد مهم حقوقی می باشد. این تحمیل رنج و محرومیت به شهروندان بی گناه دیگر کشورها، به ویژه نقض گسترده حقوق بشر و محروم کردن آن ها از حق توسعه و تعیین سرنوشت می باشد.»

— سخنران دیگر سمینار خانم پرفسور ورا گولند دباس، استاد حقوق بین الملل انستیتوی مطالعات عالی ژنو بود که درخصوص «مسئولیت پذیری درخصوص تحریم های اقتصادی» صحبت کرد. وی به مسئولیت دولت ها در وضع تحریم های اقتصادی پرداخت و با اشاره به منشور ملل متحد، اقدامات یکجانبه برخی دولت ها علیه ج.ا.ایران را فراتر از قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد دانست و افزود این دولت ها نمی توانند اقدامات یکجانبه خود را در راستای اجرای قطعنامه های شورای امنیت قلمداد نمایند. وی همچنین اظهار داشت که اصولاً تحریم های کنونی از تحریم های هدفمند نیز فاصله گرفته و بسیار جامع می باشند و بر حق توسعه و اقتصاد ایران اثرگذار بوده اند و به دلیل تاثیر منفی بر مردم، راهکار مناسبی نمی باشند و با برخی ملاحظات انسانی و حقوق بشر همخوانی ندارند.»

— نماینده ویژه نیکاراگوئه نزد دیوان بین المللی دادگستری، دکتر کارلوس آرگوئلو گومز نیز در مورد «تحریم های اقتصادی و توسعه موسسات بین المللی قضایی» صحبت کرد. وزیر اسبق دادگستری نیکاراگوئه و سفیر این کشور در هلند طی سخنانی با ارجاع به رای دیوان بین المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده، تحریم های یکجانبه را کاملاً مغایر منشور ملل متحد و حقوق بین الملل خواند. نامبرده با تمرکز بحث خود بر تحریم ها علیه ج.ا.ایران، کوبا و نیکاراگوئه اعلام کرد که این کشورها می توانند درخصوص این تحریم ها در محاکم بین المللی صالح پیگیری نمایند. وی پیشنهاد نمود که مجمع عمومی ملل متحد با درخواست نظر مشورتی از دیوان بین المللی دادگستری، وضع تحریم های یکجانبه علیه برخی کشورها را از منظر حقوق بین الملل مورد بررسی قرار دهد.

— استاد دانشگاه آکسفورد، دکتر آنتونیوس تاناکاپولوس نیز یکی دیگر از سخنرانان این سمینار بود که موضوع سخنرانی خود را به "مسئولیت بین المللی اتحادیه اروپا" اختصاص داد. وی اظهار داشت: تحریم ها یک پاسخ دسته جمعی و متمرکز به یک اقدام غیرقانونی محسوب می شود. در مقابل، هنگامی که اتحادیه اروپایی تحریم ها علیه دولت ثالثی را اعمال کند، در واقع اقدامی یکجانبه از طریق عمل متقابل است.

استاد دانشگاه بیرمنگام انگلیس، دکتر الکساندر اورخالاشویلی نیز در مورد "تحریم های یکجانبه و تاثیر آن در چارچوب امنیت جمعی سازمان ملل متحد" صحبت کرد. وی به بررسی تحریم های اعمالی علیه ج.ا.ایران پرداخت و آن را در چارچوب معاهده عدم اشاعه مورد بررسی قرار داد و اظهار داشت: هیچ مبنایی برای اعمال تحریم ها طبق معاهده عدم اشاعه نه تنها علیه ایران، بلکه علیه کشورهای دیگر نیز وجود ندارد.

— آخرین سخنران سمینار نیز دکتر عسکرخانی، رئیس مرکز عالی مطالعات دانشگاه تهران بود که به موضوع "تحریم های اقتصادی علیه ایران" پرداخت. وی با زیر سؤال بردن فلسفه تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران، آن را مغایر عهدنامه مودت و بیانه الجزایر که آمریکا را متعهد می کند در امور داخلی ایران مداخله نکند و یا اقداماتی برای براندازی ج.ا.ایران به عمل نیاورد، دانست. وی ادبیات تحریم های شورای امنیت و آمریکا علیه ایران را خصمانه و یکجانبه گرایانه خواند. دکتر عسکرخانی با انتقاد از استانداردهای دوگانه آمریکا و کشورهای همپیمان آن

در قبال ایران و رژیم صهیونیستی اسرائیل گفت: در حالی که اسرائیل بارها صلح و امنیت دیگر کشورها و ملت ها را تهدید کرده است هیچ اقدام جدی از سوی جهان مشاهده نمی شود، ولی درخصوص ایران صرفا به خاطر اتهامی که خودشان به آن وارد می کنند شاهد اقدامات خشن و سخت گیرانه هستیم.

در پایان این سمینار نیز این جمع بندی صورت گرفت که بر اساس سخنرانی های ایراد شده، با این موضوع وفاق حاصل گردید که تحریم ها مرگبار بوده و هزینه های مدنی در کشورهای هدف را بالا می برند و دقیقا به این دلایل است که استفاده از تحریم های اقتصادی باید توسط حقوق بین الملل و پاسخگویی حقوقی تعدیل گردد.

نظرات برخی دیگر از تحلیل گران سیاسی جهان^۱

_ وزیر دارایی ترکیه با بی اثر خواندن این تحریم ها از مخالفت انکارا و پیروی نکردن کشورش از تصمیمات اخیر خبر داده است.

_ موسسه وود مکنزی اذعان کرده است که صنعت نفت ایران نقاط قوت خاصی دارد و بدون شک تحریم ها برای ایران فاجعه محسوب نمیشود.

_ روزنامه اقتصادی لزاکو چاپ پاریس نوشته ایران امروزه خود به تولید کننده و صادر کننده بسیاری از کالاهای مهم تجاری و خدمات فنی و مهندسی تبدیل شده است که این موضوع بسیاری از معادلات پیشین را به هم زده است.

_ خبرگزاری اسوشیتدپرس تحریم های اقتصادی علیه ایران را تاثیر گذار دانسته ولی اذعان داشته انعطاف پذیری و مقاومت اقتصاد ایران مانع آسیب جدی شده است.

_ استیو هانکه استاد اقتصاد دانشگاه هاپکینز میگوید ایران میتواند تا مدت طولانی دوام بیاورد. و تحریم ها به عنوان عامل بازدارنده در برابر برنامه هسته ای ایران تاثیر زیادی نداشته است.

فصل دوم: تحریم های ایران از نگاه حقوق بین الملل

تحریم حربه ای است که در بعضی زمان ها؛ دولت های قدرتمند و زورگو برای نیل به مقاصد سیاسی خود از آن علیه کشورهای دیگر استفاده می کنند. در حقیقت کشورهای مستقل و آزاد که زیر سلطه قدرت های بزرگ نیستند و خود را از زیر سلطه بیگانگان نجات داده اند؛ مشمول مجازات و تحریم های یک جانبه که بیشتر آن ها اقتصادی است قرار می گیرند؛ و دولت های زورگو باینکار سعی دارند روحیه مقاومت و خود اتکایی کشورهای آزاد را از بین ببرند و آنها را همسو و هم جهت با خود کنند.

^۱ . به گزارش روزنامه اطلاعات مورخ یکشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۲ شماره ۲۵۶۷۹
۳۳.منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

نمونه بارز این اقدامات؛ تحریم های گسترده و یک جانبه آمریکا علیه ایران است که دربرهه های مختلف؛ به بهانه های واهی علیه دولت و ملت ایران وضع شده است.

نخستین تحریم آمریکا علیه ایران پس از واقعه گروگانگیری دیپلمات های آمریکایی در تهران در سال ۱۹۷۹ انجام گرفت. به دنبال جریان گروگانگیری در سفارت آمریکا، آمریکا متقابلاً ۱۲ میلیارد دلار از دارایی های دولت ایران را مصادره کرد و پس از آزادی گروگان ها توسط دولت ایران، این مصادره پایان نیافت و دارایی های ایران تا به امروز ضبط است. در جریان جنگ ایران و عراق، آمریکا تحریمات فروش اسلحه علیه ایران را وضع نمود. در سال ۱۹۸۷ به دنبال اتهام «حمایت از تروریسم» آمریکا علیه ایران، رونالد ریگان تحریمات کامل تری علیه ایران وضع نمود. در سال ۱۹۹۵ میلادی، واشنگتن نخست به دستور بیل کلینتون تحریمات کامل اقتصادی علیه ایران وضع نمود، و سپس کنگره مجلس آمریکا با گذراندن قانون ایلسا هر شرکتی را که با ایران به میزان بیش از ۲۰ میلیون دلار تجارت داشت را نیز تهدید به اعمال تحریم کرد. در سال ۲۰۰۶ یک دادگاه فدرال آمریکا دستور استرداد یکی از بزرگترین کلکسیونهای باستان شناسی تخت جمشید متعلق به ایران را به نفع صدمه دیدگان ناشی از عملیات انتحاری در اسرائیل را صادر نمود. باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا نیز؛ تحریم های جدیدی را علیه بخش انرژی و برخی شرکت های طرف مبادلات مالی و پولی با ایران به اجرا گذاشت. اوباما در بیانیه ای اعلام کرد؛ تدابیری علیه شرکت هایی که با شرکت ملی نفت ایران، شرکت نفتیران یا بانک مرکزی ایران معامله می کنند یا در خریداری دلار آمریکا یا فلزات ارزشمند به ایران کمک می کنند اتخاذ خواهد شد. اوباما با تکرار ادعاهای واهی؛ ایران را به تشدید تحریم ها تهدید کرد و افزود، اگر ایران به آنچه کاخ سفید ترمز از خواسته های آمریکا نامید؛ ادامه دهد، آمریکا و شرکایش تحریم ها بر ضد ایران را تشدید خواهند کرد. درحقیقت؛ دولت آمریکا قصد دارد با این کار معاملات نفتی ایران با بزرگترین خریدارانش از جمله چین، کره جنوبی، هند، فرانسه، انگلیس، اسپانیا، یونان و ایتالیا را تحت تاثیر قرار دهد.

تحریم های اقتصادی گرچه معمولاً خساراتی را بر کشور تحریم شده تحمیل می کنند. اغلب برای کشورهای تحریم کننده نیز دارای هزینه های سنگین میباشند. برای مثال تحریم های آمریکا در درجه اول شرکتهای نفتی این کشور را تحت تاثیر قرار داده است. شرکتهای مزبور در سال ۱۹۹۴ نزدیک به ۳/۵ میلیارد دلار نفت خام از ایران خریداری کرده اند. برآوردها نشان می دهد که تحریم های آمریکا بر ایران و لیبی و سوریه سالانه ۷ میلیارد دلار خسارت جانبی بر آمریکا وارد می کنند و باعث از بین رفتن ۲۰۰۰۰۰ شغل در این کشور می گردند. ولی با این اوصاف باید گفت؛ از نظر سیاسی؛ تحریم ها موفقیتی نداشته است و ایران با قدرت به فعالیت هسته ای خود ادامه می می دهد. «رالف اکیوس»، مدیر اجرایی کمیسیون ویژه سازمان ملل برای عراق از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ و مالفرید بروت هگهامر استاد دانشگاه استنفورد، در مطلب خود در نشریه فارین افیرز به روشنی اشاره کرده اند که: تحریم ها هدف بلندمدت تغییر رژیم در ایران را دنبال می کنند. راهکاری که منافات کامل با راهکار دیپلماتیک دارد. این در حالی است که بسیاری از تحلیلگران خارجی حتی اساتید دانشگاهی در دانشگاه های برجسته آمریکا؛ به ناکارآمدی تحریم از اعمال فشار بر ایران و توان بالفعل و بالقوه ایران در مدیریت تحریم ها اشاره داشته اند. همه این

تحلیل‌ها دارای یک نکته اساسی هستند و آن اینکه به رغم آن که تحریم‌ها تا همین جا نیز هزینه‌های بسیاری بر ایران و به ویژه شهروندان بار کرده، اما ادامه آن‌ها تنگنایی استراتژی را در برابر آمریکا قرار می‌دهد که هزینه ادامه تحریم را برای آمریکا بالا می‌برد. چندی پیش، «جان کول» استاد دانشگاه میشیگان در مطلبی عنوان کرده بود که هزینه تحریم ایران بر اقتصاد بین‌الملل و افزایش هزینه سوخت تا اندازه‌ای بالا بوده که می‌توان گفت این تحریم برابر با تعطیلی شش چاه نفت بزرگ آمریکاست. در نهایت باید گفت؛ آمریکا در تحریم ایران سه دلیل مهم را در نظر دارد: ۱- اودارکردن ایران به کنار گذاشتن سیاست‌های ناخوشایند در برابر آمریکا ۲- مجازات ایران برای اتخاذ سیاست‌های غیرقابل قبول ۳- ابراز مراتب مخالفت نمادین با ایران به منظور جلب نظر گروه‌های طرفدار اسرائیل در رابطه با اعمال تحریم علیه کشورهای دیگر از بعد حقوقی باید گفت؛ در نظام بین‌المللی که با عدم تمرکز در قدرت مواجه هستیم مهمترین ضمانت اجرای قواعد بین‌المللی عنصر مقابله به مثل یا اقدام متقابل (counter measures) است. حقوق مسئولیت بین‌المللی اقدام متقابل را به عنوان یکی از عوامل رافع وصف متخلفانه بودن اقدام غیرقانونی پذیرفته است. به این معنا که چنانچه دولتی مرتکب عمل متخلفانه ای شود کشور قربانی می‌تواند در مقابل با اقدامی مشابه یا اقدامی دیگر، دولت متخلف را به بازگشت به مسیر واقعی دعوت کند. تحریم‌های بین‌المللی یکی از روش‌های اقدام متقابل برای تحت فشار دادن کشور متخلف است.

اقدام متقابل و از جمله تحریم از سوی طرح پیش‌نویس کنوانسیون حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد مورخ ۲۰۰۲ م‌آخوذ به شروطی شده است. طبق ماده ۴۹ این طرح، اقدام متقابل باید با هدف بازگرداندن کشور متخلف به تعهدات بین‌المللی‌اش باشد، نباید به نحوی باشد که امکان بازگشتن به تعهدات بین‌المللی را ناممکن نسازد. طبق ماده ۵۰ اقدام متقابل نباید متضمن زور یا تهدید به زور باشد، نباید ناقض قواعد بنیادین حقوق بشر و قواعد آمره باشد، نباید اصل عدم تعرض به کارکنان دیپلماتیک و کنسولی و مدارک آنها را نقض نماید. ماده ۵۲ نیز شروطی را برای توسل به اقدام متقابل بیان کرده است از جمله اعلام قبلی به دولت متخلف برای اجرای تعهدات خود و اطلاع کشور متخلف از اقدام متقابل و پیشنهاد مذاکره به آن دولت. با توجه به توضیحات بالا باید گفت؛ اقدامات یک‌جانبه آمریکا در تحریم ایران، ناقض اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در میان دولت‌ها است که مستلزم احترام به اصول سیاسی حقوق بین‌الملل یعنی تساوی حقوقی دولت‌ها، عدم مداخله، همکاری و دوستی، احترام به استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها در میان اعضای جامعه بین‌المللی است. این نوع اقدامات به علت عدم برخورداری از مشروعیت، فاقد وجهت بین‌المللی می‌باشند. به همین دلیل در فرآیند تحریم‌های بین‌المللی باید بر جنبه‌هایی از قبیل مشروعیت، ضرورت و تناسب آنها و همچنین تأثیر این تحریم‌ها بر افراد غیرنظامی بی‌گناه، توجه ویژه‌ای معطوف داشت. نظام بین‌الملل کنونی به علت عدم وجود یک مقام و مرجع جهانی و نظارت بر دولت‌های ملی مستلزم احترام متقابل و نزاکت به منظور همکاری بین‌دولت‌هاست. بدون تردید تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا مغایر با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، همبستگی اجتماعی ملل، به رسمیت شناختن حق تعیین آزدانه سرنوشت و عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی در پرتو منشور سازمان ملل متحد است. همچنین، منافی با برقراری همکاری‌های بین‌المللی در شرائط عادلانه و منصفانه براساس میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶)؛ ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها به موجب

منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها و مخالف با مقررات سازمان تجارت جهانی (مصوب ۱۹۹۵) است که طلایه‌دار بسط و توسعه نظام تجارت آزاد متکی بر چند جانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی می‌باشد. و با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و سایر اسناد مربوطه که مبنای اصول پذیرفته شده بین‌المللی می‌باشند، می‌توان ادعا کرد که چنانچه تحریم‌های اقتصادی منجر به رنج و مشقت انسانها گردند این تحریم‌ها توجیهی از منظر حقوق بین‌الملل ندارند.

تحریم های نفتی ایران و نقض حقوق بین الملل

تحریم نفتی ایران اقدامی از سوی تعدادی از کشورهای جهان است که با هدف محروم کردن کشورمان از درآمدهای نفتی شکل گرفته است. این تحریم‌ها با ابزارهای مستقیمی همچون تحریم خرید یا خریداران و ابزارهای نامستقیمی همچون تحریم بیمه ای کشتی های نفتکش یا تحریم بانکی، اعمال و با هدف انصراف خریداران نفت از کشور و رو آوردن آنها به دیگر عرضه کنندگان این کالا انجام می شوند. تحلیل و بررسی وضع تحریم‌ها علیه ایران در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی و حقوق بشری و مقایسه مفاد این تحریم‌ها با اسناد و قواعد کلی یا خاص حقوق بین الملل و بویژه عملکرد گزینشی، غیر منصفانه و رویکرد دوگانه برخی کشورهای غربی نسبت به وضع یا اعمال تحریم‌ها متأسفانه آشکارا نشان می دهد قواعد و اصول حقوقی بسیاری نادیده گرفته یا زیر پا گذاشته شده است به گونه ای که حاکمیت یک کشور عضو ملل متحد مخدوش و حقوق اتباع آن مورد تهدید قرار گرفته و مهم تر از آن، استمرار این تحریم‌ها تهدیدی برای آینده جامعه بین‌المللی محسوب می شود. اقدامات یکجانبه آمریکا و اتحادیه اروپا در تحریم ایران، ناقض اصل همزیستی مسالمت آمیز در میان دولت‌هاست که مستلزم احترام به اصول سیاسی حقوق بین الملل یعنی تساوی حقوقی دولت‌ها، عدم مداخله، همکاری و دوستی، احترام به استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها در میان اعضای جامعه بین‌المللی است. تحریم‌های گذشته اتحادیه اروپا تنها - با هدف پشتیبانی از اقدامات بین‌المللی - در برابر کشورهای حامی تروریسم یا علیه کشورهایی که مرتکب نقض شدید حقوق بشر شده بودند، به اجرا گذاشته شده بود. در حقیقت این تحریم‌ها، از سال ۲۰۰۶ و با هدف مقابله با برنامه های هسته ای ایران، بخشی از دستورکار سیاست خارجی اروپا بوده است یعنی درست از زمانی که اروپا با اتخاذ رویکرد پیگیری دوگانه، به طور همزمان کوشید تا هم فشارها و هم پیشنهادهای خود را برای گفت و گو با ایران تقویت کرده و بهبود بخشد. از آن زمان تاکنون، شورای اتحادیه اروپا همه قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل درباره برنامه هسته ای ایران را به اجرا گذاشته است. تحریم‌های تشدید یافته اتحادیه اروپا به طور قطع فراتر از تحریم‌هایی است که در قطعنامه های چهارگانه شورای امنیت علیه ایران وضع شده چرا که در هیچ یک از این قطعنامه‌ها نه تنها تصمیم و الزامی به تحریم نفت وجود ندارد بلکه حتی توصیه ای هم در این باره به چشم نمی خورد. تحریم‌های یکجانبه ای که عموماً از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه کشورمان به کار گرفته می شوند به دلایل مختلفی مغایر با قواعد حقوق بین الملل است.

تحریم بانک مرکزی ایران

«کنوانسیون اروپایی ۱۹۷۲ مصونیت دولت» اعمال حاکمیت دولت را (مانند اموال دیپلماتیک و اموال نظامی) اعمالی تعریف کرده که دولت برای اقتدار حاکمیت خود انجام می دهد و بنا بر این گمرک، سیاست پولی و ... جزو اینگونه اعمال هستند و در این بین اعمال تجاری (تصدیگری) دولت به دقت احصا شده است. در ضمن کنوانسیون مصونیت دولت و اموال آن مصوب ۲۰۰۴ مجمع عمومی ملل متحد نیز اموال بانک مرکزی یا دیگر نهادهای مالی متعلق به دولت را به عنوان اموال خاص دولت تلقی کرده و به صراحت آن را در کنار اموال نظامی و دیپلماتیک به عنوان دسته های خاص اموال دولت محسوب کرده و اینگونه اموال را مصون تلقی کرده است. با در نظر گرفتن هر معیار برای تفکیک اعمال حاکمیتی دولت از اعمال تصدیگری آن، با قاطعیت می توان گفت «سیاست های پولی»، «مالی» و «اموال و حقوق، منافع و فعالیت های خاص» بانک مرکزی که در سرمایه گذاری و هدایت سرمایه نقل و انتقال پول، چاپ اسکناس تنظیم روابط بین بانک ها و ... تجلی می یابد، از جمله بارزترین فعالیت های «بانک مرکزی ایران» بوده است که به روشنی جزو اعمال حاکمیتی دولت ایران تلقی می شود. روشن است که اجرای تحریم گسترده علیه بانک مرکزی مانع اعمال حاکمیت و اقتدار سیاسی - اقتصادی کشور خواهد شد و در این باره، حتی کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت نقض شده است.

تحریم داروی ایران

امروزه جامعه جهانی به جایی رسیده است که اگر روابط بین اعضای این جامعه را بدون وجود حقوق بین الملل تصور کنیم، به هیچ وجه نخواهیم توانست که آینده ی یک چنین نظامی را ترسیم نماییم. آنچه دردنیای امروز و خصوصا پس از جنگ جهانی دوم در روابط بین الملل نمود یافته است، تلاش دولت هاست (چه به صورت انفرادی و چه جمعی) مبنی بر این که برای اقدامات خود، توجیهاتی ارائه کنند که مستند به یک عرف مسلم و یا معاهده ای عام یا خاص باشد تا ناقض حقوق بین الملل و یا ناقض صلح شناخته نشوند. لکن حاکمیت کشورها در بسیاری از موارد، اجازه نمی دهد که یک کشور به طور تام و تمام مطیع قواعد و کنوانسیون های بین المللی شود. اما اصولی در این جامعه پذیرفته شده اند که هیچ دولتی نمی تواند آنها را نقض کند و الا طیف وسیعی از اقدامات جامعه بین المللی، ممکن است علیه آن دولت اعمال شود. از توصیه های مقامات ذیصلاح گرفته تا تحریم و اقدامات نظامی. ولی متأسفانه «سیاست بین الملل در مواردی، مانع عظیمی در راه پیشرفت و عدم اجرای مقررات بین المللی است» به گونه ای که تفسیر های ارائه شده از برخی فاکتورها در دوره های مختلف، بسیار جانب دارانه بوده است. مثلاً اگر اقداماتی خاص، توسط کشوری نظیر ویتنام صورت گیرد، ممکن است تهدید کننده ی صلح جهانی تلقی شود اما اگر ایالات متحده ی امریکا عامل آن اقدامات باشد، چنین طرز تلقی از آن نخواهد شد. کشور ما نیز به نظر می رسد در جامعه بین المللی حاضر، درگیر یک چنین کشمکشی شده و متحمل تحریم های اقتصادی سنگینی است که بر سایر جوانب غیر اقتصادی تاثیرات بسزایی داشته است. من جمله در حوزه دارو و تجهیزات

پزشکی که به طور غیرمستقیم از تحریم های اقتصادی، آسیب هایی را شاهد بوده است. در این یادداشت قصد داریم تا ضمن بررسی مشروعیت این تحریم ها به مطالعات حقوق بشری نیز در این حوزه اشاره ای داشته باشیم.

مهم ترین نکته در خصوص ایجاد این تحریم ها علیه ایران، مشروعیت آنها و همچنین قانونی بودنشان است. باید توجه داشت که شورای امنیت و اتحادیه اروپا و ایالات متحده ی امریکا در صورتی که اقدام به تحریم یک کشور می نمایند، باید برای این اقدامات، توجیهات حقوقی داشته باشند تا مشروعیت یابند. لکن در خصوص ایران، به نظر می رسد این تحریم ها ریشه در تصمیمات حاکمیتی نهاد های مزبور دارد و نه استدلال هایی که تماما از منطق حقوقی نشأت گرفته باشد. اما می توان این اقدامات را قانونی و الزام آور تلقی نمود. چراکه رکن صلاحیت دار و دارای حاکمیت، این تحریم ها را با توجه به ظرفیت مقررات بین المللی وضع کرده است. بنابراین شاید بتوان گفت: «این تحریم ها، غیر مشروع هستند اما قانونی و الزام آورند». از طرفی موضوعات تحریم ها علیه ایران نیز جای بررسی دارد. در واقع امریکا و اتحادیه اروپا که مبادلات بانکی و بازرگانی ایران را با کشورهای عضو سازمان ملل، هدف قرار داده اند و آنطور که مشاهده می شود، قصد دارند صادرات نفت از ایران را نیز بطور چشمگیری مشمول تحریم قرار دهند، باعث شده ورود و خروج ارز به شدت تحت تاثیر قرار گرفته و مشکلاتی را در جهت تهیه مایحتاج ایران در بخش های ضروری پدید آورد. اما تعهدات حقوق بشری دولت ها همواره سر جای خود باقیست و آنها نمیتوانند بوسیله تحریم، حقوق بشر را نقض کنند. بخشی از حقوق شناخته شده ی بشر که در اعلامیه ها و معاهدات حقوق بشری که بسیاری از آنها الزام آور تلقی می شوند عبارت است از حق بر زندگی با استاندارد های مناسب، بهداشت و سلامت و ... اما تحریم کانال های تبادل ارزی با ایران سبب شده که تهیه دارو و تجهیزات پزشکی، شدیداً با مشکل مواجه شده و موجبات تشدید برخی بیماری ها و مسائل بهداشتی و ... را فراهم آورد. تا کنون هیچ تحریمی به طور مستقیم دارو و ملزومات پزشکی را هدف قرار نداده اما تحریم اقتصادی در اصل نباید به گونه ای اعمال شود که به حقوق بنیادین مردم (حقوق بشر) در کشور هدف، آسیب بزند. استدلالی که کشور های غربی در این مورد ارائه می کنند، این است که اگر تخصیص ارز و روش های خروج ارز و کانال های مبادله ای، صرفاً برای تهیه دارو و ملزومات پزشکی، تشخیص داده شود (مسیر پاک) به هیچ وجه در این حوزه محدودیتی وجود ندارد. کما اینکه در حال حاضر در کشور ما نیز تخصیص ارز به این حوزه صورت گرفته است. اما طرز تلقی دولت های غربی از این مبادلات و نگاه جانب دارانه ی ایشان که متأثر از دید حاکمیتی آنهاست مشکلاتی را پدیدار ساخته. مشکلاتی که ناشی از نقض غیر مستقیم حقوق بشر است. حقوقی که برای هر فرد ذاتاً وجود دارد و شاخصه متمدن بودن یک کشور رعایت این حقوق است. جالب اینجاست که شورای امنیت خود با رویکردی مواجه است که حقوق بشر و صلح جهانی را به یکدیگر پیوند می زند، گویی که هرکجا حقوق بین الملل رعایت نشود، تحدیدی برای صلح محسوب می شود. حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی نیز به طور ضمنی در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و با تفصیل در «میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مورد توجه قرار گرفته است. قطعنامه ای هم در سال ۱۹۶۸ توسط کنفرانس ملل متحد در خصوص حقوق بشر به تصویب رسید و اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای اعضای سازمان الزام آور ساخت. با این تفاسیر همچنان

دیدگاه منطق حقوقی صرف در استدلال‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا و ایالات متحده، دیده نمی‌شود. هرچند نمی‌توان انتظار داشت در جامعه‌ای که حاکمیت یک به یک دولت‌ها به رسمیت شناخته شده و واضح و موضوع حقوق بین‌الملل، آنها هستند استدلال‌های حقوقی تمام عملکردهای این جامعه ناهمگون را شامل شود اما جایی که تعهدات عام‌الشول حقوق بشری وجود دارد، انتظارات از ملل متمدن عضو این جامعه بیشتر می‌شود و نباید شاهد نقض حقوق بشر هرچند با دیدگاه‌های حاکمیتی و به ظاهر، قانونی و الزام‌آور باشیم.

تحریم شخصیت حقیقی یا شخصیت حقوقی این هشت نفر؟

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، در بیانیه‌ای خطاب به کنگره این کشور، هشت مقام ایرانی را به دلیل «نقض جدی و مداوم حقوق بشر»، تحریم کرد. کاخ سفید در بیانیه خود نوشته است که این هشت مقام رسمی ایرانی به کشتار و مجروح کردن معترضان و مخالفان دولت پس از انتخابات خرداد ۸۸ متهم شده‌اند. محمدعلی جعفری فرمانده سپاه پاسداران، صادق محصولی وزیر رفاه و وزیر پیشین کشور، غلامحسین محسنی اژه‌ای دادستان کل کشور و وزیر پیشین اطلاعات، سعید مرتضوی دادستان پیشین تهران، حیدر مصلحی وزیر اطلاعات، مصطفی محمدنجرار وزیر کشور، احمدرضا رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی و حسین طائب، معاون اطلاعات سپاه پاسداران و فرمانده پیشین بسیج، مقام‌های ایرانی هستند که توسط دولت آمریکا در فهرست تحریم‌شدگان جای گرفته‌اند.

این نکته وجود دارد که آیا این تحریمها مربوط به شخصیت حقوقی این افراد است یا مربوط به شخصیت حقیقی این افراد؟ تفاوت در این است که اگر تحریم به مناسبت شخصیت حقوقی این افراد باشد چنانچه خدمت رسمی این افراد پایان پذیرد اثر این تحریم نیز پایان می‌پذیرد اما چنانچه تحریم به مناسبت شخصیت حقیقی این افراد باشد این تحریم‌ها نه تنها پایان نمی‌پذیرد بلکه پس از پایان دوره خدمت رسمی محظوریت‌های مصونیت نیز برداشته خواهد شد تا قابل تعقیب در دادگاه‌های داخلی نیز باشند. فرمان اخیر باراک اوباما در تحریم این هشت نفر را با عبارت افراد (individual) یاد کرده است و از عبارت مسئولین (officials) طفره رفته است. این نکته می‌تواند بیانگر این باشد که نگاه آمریکا نه به مسئولیت فعلی و آینده این اشخاص است بلکه نگاه به شخصیت حقیقی این افراد به اتهام نقض حقوق بشر در زمانی خاص است.

تعارض تحریم با تعهدات بین‌المللی

برخی دولت‌ها در موافقتنامه‌های دوجانبه مودت و آزادی تجارت یکدیگر را متعهد به برقراری تجارت آزاد کرده‌اند. موافقتنامه مودت و تجارت میان ایران و آمریکا یکی از بهترین نمونه‌هاست که پس از فراز و نشیب‌های بسیار در روابط ۲ کشور کماکان از سوی ۲ دولت معتبر قلمداد می‌شود. این معاهده طرفین را ملزم به برقراری تجارت آزاد میان اتباع یکدیگر کرده و تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران نقض صریح معاهده است. به همین ترتیب کشورهای اروپایی موافقتنامه‌های متعددی در زمینه‌های مختلف روابط اقتصادی و مالی، بانکی و مالیاتی با ایران

دارند که توسط نهادهای قانونی ۲ کشور به تصویب رسیده و لازم‌الرعايه است. موافقتنامه ۱۹۶۵ سرمایه‌گذاری متقابل، موافقتنامه ۲۰۰۳ سرمایه‌گذاری متقابل میان ایران و فرانسه، کنوانسیون سال ۲۰۰۴ مصونیت دولت‌ها و همچنین اساسنامه صندوق بین‌المللی پول و به‌طور مشخص موافقتنامه‌های «تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری متقابل» و «معافیت از اخذ مالیات مضاعف» از جمله موافقتنامه‌های دو‌جانبه رایج بین کشورهای هستند که تحریم‌های اخیر وضع شده می‌تواند نقض یکجانبه این موافقتنامه‌ها تلقی شود.

در پایان باید گفت: هر چند در سال ۲۰۱۲ نرخ تورم در ایران دو برابر شده همچنین درآمد‌های نفتی ۳۰ درصد کاهش یافته صنعت خودروسازی که به واردات قطعات به غرب به شدت وابسته است آسیب دیده ارزش پول ملی ایران کاهش یافته و دست کم ۵۰۰ هزار نفر کار خود را از دست داده اند اما در حقیقت ایران چگونه توانسته خود را با این اوضاع وفق دهد؟

امارها نشان می‌دهد به رغم منفی بودن بسیاری از شاخص‌های اقتصادی رشد شاخص در بازار بورس تهران ادامه یافت و به بیش از ۱۵ درصد رسید. به علاوه به رغم ارزش ریال از اوایل سال ۲۰۱۲ بخش ساخت و ساز املاک رشد سریعی را تجربه کرد و نه تنها شاهد افزایش فعالیت بود بلکه رشد سریع قیمت‌ها را هم تجربه کرد. همچنین به دلیل محدودیت اعمال شده در زمینه واردات واحدهای مختلف تولیدی در داخل خود را ترمیم کردند و موجب افزایش تولید و رشد فعالیت‌های اقتصادی شد.

به علاوه در اوایل سال ۲۰۱۳ ایران اقداماتی برای جلوگیری از افت استانداردهای زندگی طبقه کارگر آغاز کرد که شامل افزایش دستمزدها و توزیع کالا بزرگ مواد غذایی در بین اقشار فقیر جامعه شد. همچنین هرچند نرخ بیکاری در کشور افزایش یافته و در حال حاضر بر بیش از ۴ میلیون نفر تاثیر گذاشته اما این رقم بالا هنوز موجب بروز ناآرامی‌های اجتماعی نشده است. زیرا ایران مزایای بیکاری را در یک دوره ۵۰ ماهه که طولانی‌ترین دوره اعطای مزایای بیکاری در جهان است پرداخت کرده است.

در اوایل سال ۲۰۱۳ دو سال بعد از گذشت تحریم‌های شدید ایران همچنان ارز و ذخایر طلا به ارزش ۷۹ میلیارد دلار در اختیار دارد در حالی که تراز پرداخت‌های ایران افزایش یافته است.

بنابراین حتی اگر تحریم‌ها باز هم تشدید شوند و ایران ۷۰ درصد درآمد‌های نفتی خود را از دست دهد این کشور باز هم قادر خواهد بود نه تنها هزینه واردات سالانه اش به مبلغ ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار را تامین کند بلکه همچنین میتواند از فزونی تراز تجاری و حساب فعلی خود در تراز پرداخت‌ها بهره‌بردار.

حال به توجه به واقعیت‌های موجود باید گفت ایران خود را با تحریم‌ها وفق داده و حتی اگر تحریم‌ها موجب آسیب جدی اقتصاد ایران در کوتاه مدت و دراز مدت شود در عمل وجود ذخایر ارزی و طلایی گسترده و فزونی تراز پرداخت‌ها به این کشور امکان خواهد داد تا سیاست هسته‌ای خود را بدون آسیب جدی اقتصادی و اجتماعی ادامه دهد.^۱

^۱ به گزارش پایگاه اینترنتی فری پرس کانادا، و نقل شده از روزنامه اطلاعات مورخ ۱۰ شهریور ۱۳۹۲ شماره ۲۵۶۷۹، ۴۰ منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

نگاهی کوتاه بر تحولات سوریه و جنگ طلبی آمریکا از دیدگاه حقوق بین الملل^۱

اتهامات تھی از حقیقت برخی مقامات آمریکایی علیه سوریه سناریوی تکراری حاکمیت امپریالیستی واشنگتن برای دخالت در امور داخلی کشورها است، و قدرت های امپریالیستی باید بدانند که زمان دخالت در امور داخلی و سلطه گری بر منابع انرژی طبیعی کشورها پایان یافته است.

یکه تازی آمریکا بعد از سقوط پیمان ورشو و فروپاشی شوروی سابق شروع شد، با وجود اینکه اکنون جهان به سمت نظام چند قطبی حرکت می کند، ولی واشنگتن تلاش دارد که سیاست امپریالیستی و سرمایه داری خود را بر جهان دیکته کند.

اقتصاد قوی و ارزش بالای دلار مهمترین وسیله قدرت نمایی آمریکا در گذشته است. سقوط دلار آمریکا به عنوان بزرگترین واحد ارزی در تبادلات جهانی ضربه بزرگی بر واشنگتن وارد کرده و دولتمردان آمریکا با ایجاد تنش در اقصی نقاط جهان تلاش می کنند بر ناتوانی های سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی خود پوشش بگذارند.

مخالفین مداخله نظامی به سوریه در اقصی نقاط جهان حتی بین کشورهای همراه آمریکا پس از حملات نظامی غرب به عراق، افغانستان، بمباران لیبی و دخالت های خارجی در امور داخلی کشورها به بهانه های مختلف، افکار عمومی جهان کاملاً به انگیزه های دموکراسی آمریکا و برخی کشورهای غربی به خوبی پی برده اند. همچنین به شکست شورشیان و گروه های تروریستی ضدسوری مورد حمایت غرب در برابر ارتش سوریه میتوان اشاره کرد و گفت: اکنون که تروریست ها با سلاح های انبوه و پیشرفته برخی کشورها برای حذف نظام بشار اسد شکست خورده اند، آمریکا با کمک همدستان خود به فکر بمباران سوریه برای تقویت نظامی تروریست ها افتاده است. حمله نظامی احتمالی آمریکا و همراهان این کشور به سوریه افزون بر کشته شدن افراد بی گناه بویژه کودکان و زنان، عواقب فاجعه باری را برای خاورمیانه و صلح و امنیت بین المللی خواهد داشت.

همچنین مداخله نظامی حکومت واشنگتن علیه سوریه را از نظر حقوق بین الملل نامشروع است و در حالیکه بسیاری از حامیان اروپایی واشنگتن و بسیاری از کشورهای عضو ناتو از جمله آلمان از بمباران احتمالی سوریه حمایت نکرده اند، می توان به پوچی اتهامات آمریکا علیه دمشق در استفاده از سلاح های شیمیایی پی برد. آمریکا با کمک همپیمانان خود به بهانه هایی که برای افکار عمومی جهان روشن است، سال ۲۰۰۱ به افغانستان و سال ۲۰۰۳ به عراق و ۲۰۱۱ به لیبی حمله نظامی کرد، از نهادهای بشر دوستانه و تمامی کشورهای صلح طلب جهان خواستار ایجاد یک نظام جهانی شد که در آن به عدالت و قوانین بین الملل و حقوق بشر احترام گذاشته شود. پس در نتیجه اقدام احتمالی نظامی آمریکا و همدستانش علیه سوریه نقض آشکار حقوق بین الملل است و بزرگترین هدف از تجاوز نظامی به این کشور جلوگیری از شکست کامل گروه های تندور ضدسوری مقابل نیروهای دولتی می باشد.

نتیجه گیری

^۱. نظرات دکتر میلوش ماندیچ محقق و استاد دانشگاه صربستان در گفتگو با خبرنگار ایرنا در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۹۲ در بلغراد. ۴۱. منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

۱) حاکمیت مطلق کشورها در تعریف امروزی از حقوق بین الملل جایگاهی ندارد چرا که مبنای نظام بین المللی، همکاری و مشارکت میان کشورهاست تا منافع مشترک خود را حفظ نمایند و ارتقا بخشند. در حالی که تلقی حاکمیت صرف برای کشورها منجر به این نتیجه می شود که حقوق بین الملل وسیله‌ای برای حل اختلافات ناشی از تعارض میان منافع کشورهاست.

۲) توسل به انواع اقدامات متقابل ممنوع است. کمیسیون حقوق بین الملل، اجبار اقتصادی یا سیاسی شدید به منظور به خطر انداختن تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت را در زمره اقدامات متقابل غیرقانونی فهرست کرده است.

۳) با مشخص شدن اهداف گفته و ناگفته امریکا پیداست که اعمال این تحریمها نمی تواند با حسن نیت حقوقی یا اقتصادی صرف همراه باشد.

۴) حتی با توجیه تحریمهای اولیه بی اعتباری تحریمهای ثانویه غیرقابل انکار است. بر این اساس تحریمهای اولیه با دلایلی چون اصل عدم مداخله، اصل آزادی تجارت، تعهدات مختلف بین المللی، نظام مسئولیت بین المللی و حقوق بشر غیرقانونی است. همچنین تحریم ثانویه با دلایلی چون عدم اعتبار فرا سرزمینی بودن قانون از مشروعیت برخوردار نیست.

۵) همچنین هرچند قانون داماتو که مبنای تحریمهای امریکا علیه ایران است فقط سرمایه گذاری را شامل می شود لیکن قانون های مصوب قبلی امریکا از جمله قوانین ۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۷ که طبق آن صادرات و واردات از ایران و به ایران ممنوع گشت و فرمان اخیر که موجب فلج کردن مبادلات مالی بعضی بانکها و نهادهای دولتی ایران گردید تماماً مغایر با اهداف و تعهدات امریکا ناشی از مودت و الجزایر است..

۶) اصل آزادی تجارت نه تنها در رویه دولتها تکرار و اثبات گردیده بلکه توسط قطعنامه‌های مختلف سازمانها و کنفرانسها به عنوان اصل کلی حقوقی بین المللی تایید گردیده است.

۷) باید توجه داشت صرف ارتباط یک نهاد یا بانک یا فرد با یکی از موارد تحریم شورای امنیت نمی تواند دلیل مناسبی برای محدود کردن آنها باشد. بنابراین هرچند برخی موارد مذکور در فرمان اخیر مورخ ۵ اکتبر ۲۰۰۷ امریکا با موارد تحت تحریم قطعنامه های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت مطابقت دارد اما باید توجه داشت نهاد سپاه پاسداران (که افراد بسیاری را تحت پوشش قرار می دهد)، وزارت دفاع (که "یکی" از نهادهای تحت کنترلش سازمانهای صنایع دفاعی است)، شرکتهای مرتبط با سپاه (که قسمتی از فعالیتهایشان با سپاه پیوند می خورد) و بانکهای ملی و ملت در خارج از چارچوب قطعنامه های شورای امنیت مورد تحدید و تحریم قرار گرفته اند. بنابراین در این موارد با توجه به استدلالات پیشین امریکا مرتکب عملی نامشروع و ناقض قواعد حقوق بین الملل در ابعاد مختلف گردیده است.

شورای امنیت به عنوان یکی از ارکان سازمان ملل متحد، همانند هر سازمان دیگر تابع سند تاسیس خود می باشد. بنابراین هرگونه اقدام و تصمیم گیری از سوی شورا، می بایست بر مبنای منشور انجام پذیرد. در واقع اعضای سازمان ملل متحد به موجب ماده ۲۵ منشور که تصریح می کند «اعضای ملل متحد موافقت می نمایند که تصمیمات شورای امنیت را طبق این منشور قبول و اجرا نمایند»، تعهد به اجرای تصمیمات آن شورا را به شرط «مطابقت با منشور» پذیرفته اند، و لذا در صورت تشخیص عدول شورای امنیت از حیطه اختیارات قانونی خود، از نظر حقوقی محق خواهند بود که از موافقت و اجرای آن سر باز زنند.

در تحلیل نهائی با در نظر گرفتن تحولات اخیر حقوق بین الملل که بر پایه ضرورت گسترش هر چه بیشتر همکاریهای بین الملل در کلیه زمینه ها بخصوص مبادلات تجاری، در، شرایط عادلانه و منصفانه بنا شده، دولت ها موظف اند که از توسل به هر نوع اقدامی که با همکاری های بین المللی مغایرت داشته باشد خود داری کنند. ماده ۲ پاراگراف ۴ منشور سازمان ملل متحد نیز بطور ضمنی این ضرورت را مورد تأیید قرار می دهد و از کلیه اعضا می خواهد که در روابط بین المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد خود داری نمایند. هیچ تردیدی نیست که همکاری های بین المللی یکی از مقاصد سازمان ملل متحد است و تحریم اقتصادی بطور جدی همکاری های بین المللی را تهدید می کند. و با روح نظام نوین اقتصادی که در سطح بین المللی در حال تکوین است مغایرت دارد.

بنابراین شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان یکی از تابعان حقوق بین الملل ملزم به رعایت قواعد و مقررات بین المللی است و حقوق بین الملل مبنای هنجاری منشور محسوب می شود بنابراین شورای امنیت در ایفای وظایف خود در چارچوب فصل هفتم منشور از جمله در اعمال تحریم های اقتصادی با محدودیتهایی مواجه می باشد. محدودیتهای حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم های اقتصادی شامل حقوق بین الملل عام، قواعد آمره، مقررات خاص منشور و قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می باشد.

یکی از مهمترین قواعد آمره ای که شورای امنیت باید در اعمال تحریم های اقتصادی آن را رعایت نماید، حق حیات می باشد که بر اساس تفسیر کمیته حقوق بشر دارای مفهومی وسیع است و شامل تأمین حداقل کالاها و خدمات ضروری و امکانات اولیه بهداشتی و مراقبت های پزشکی نیز می شود. بنابراین تحریم های اقتصادی جامع و گسترده که مردم را از دستیابی به این امکانات محروم می سازند، مغایر با قاعده آمره حق حیات می باشند.

در رابطه با رعایت موازین حقوق بین الملل بشر، شورای امنیت اولاً باید همواره حقوق اساسی بشر را در برنامه های تحریم اقتصادی رعایت نماید و ثانیاً تحریم هایی را که موج به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی می گردد، وضع ننماید و در صورتی که اقدام به وضع این گونه تحریم ها کرده است آنها را متوقف سازد؛ زیرا اعمال

این قبیل تحریم ها از سوی شورای امنیت نقض غرض و مغایر با مسئولیت اصلی این شورا در حفظ صلح و امنیت بین المللی می باشد.

اصل تفکیک ایجاب می نماید که تنها کسانی در معرض اثرات تحریم ها قرار گیرند که در زمره افراد مسئول و تصمیم گیرنده به شمار می آیند. بنابراین افراد عادی و غیر مسئول نباید از تحریم ها زیان ببینند. تحریم های اقتصادی هوشمند با هدف قرار دادن اشخاص مسئول، تا حدود زیادی به رعایت اصل تفکیک کمک می کنند.

منابع و مأخذ

(۱) تحریم اقتصادی ایران، شکست یک سیاست، دکتر حسین علیخانی، ترجمه محمدمتقی نژاد، انتشارات وزارت خارجه.

(۲) نظریه های تحریم اقتصادی، زیر نظر مصطفی زهرائی

(۳) کلاوسون پاتریک، ترجمه حسین محمدی نجم تحریم های امریکا علیه ایران، انتشارات سپاه پاسداران

(۴) یوسف ترابی، بررسی روابط اقتصادی، نظامی ایران و امریکا، نشر عروج

(۵) محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، نشر گنج دانش

(۶) هوشنگ مقتدر، حقوق بین الملل عمومی، نشر وزارت امور خارجه

(۷) حسین مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، نشر اطلاعات

(۸) مجموعه مقالات رأی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه سکوه های نفتی ایران، زیر نظر جمشید ممتاز، نشر مجلس شورای اسلامی

(۹) مقاله تحریم اقتصادی از نظر تا عمل، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، مصطفی زهرائی

(۱۰) مقاله ارزیابی مهار دوگانه : چهارنگاه متفاوت، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، سید محمدکاظم سجادپور

(۱۱) مقاله تحریم امریکا علیه ایران ارزیابی مقدماتی، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، عباس ملکی

(۱۲) مقاله قانون داماتو : ایران یا اروپا؟ مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، سعید تائب

۱۳) مقاله تحریمهای یکجانبه امریکا علیه ایران، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، محمدجواد ظریف و سعید میرزائی

۱۴) مقاله اثرات مستقیم و غیر مستقیم تحریم، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، سهراب شهابی

۱۵) مقاله تحریم اقتصادی و حقوق بین الملل، جمشید ممتاز

۱۶) مقاله مداخله امریکا در امور ایران و اقامه دعواتی ایران در دیوان داوری ایران و امریکا، جمشید ممتاز و امرحسین رنجبریان

۱۷) مقاله نظرات جهانی بر اجرای حقوق بشر، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۹، سید قاسم زمانی

۱۸) جزوه درسی حقوق بین الملل بشر، دکتر سید قاسم زمانی، درس حقوق بین الملل بشر، سال ۱۳۸۵

۱۹) روزنامه کیهان و ایران و شرق و اطلاعات

۲۰) فرخ سیری منصور، محدودیت های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم های اقتصادی، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی مجلس شورای اسلامی، سال ۲۵، شماره ۳۹

۲۱) حسین مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: نشر اطلاعات، چاپ اول، سال ۱۳۸۰ ص ۸۵

۲۲) ممتاز جمشید، انطباق تحریم های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بین الملل و حقوق بشر، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴، سال ۱۳۸۷

۲۳) مقاله تحریم اقتصادی و حقوق بین الملل عمومی، جمشید ممتاز

۲۴) مقاله تحریم های نفتی ایران و نقض حقوق بین الملل، سهیلا کوشا و ایمان احمدی

۲۵) مقاله تحریم در منشور سازمان ملل متحد، دکتر نسرین مصفا، سال ۱۳۹۱

۲۶) و با تشکر فراوان از وب سایت اینترنتی و مقاله های جناب آقای دکتر سید یاسر ضیایی دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی